

ثواب الاعمال

و

عقوبات الاعمال

ثواب و عقوبات اعمال

شیخ صدوق رحمه الله

متوفی ۳۸۱ ق

مترجم: محمد مهدی سازندگی

ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ ق.

[ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. فارسی]

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / تألیف شیخ صدوق ابن بابویه؛ ترجمه و توضیحات محمد مهدی سازندگی. - قم: امام عصر ۱۳۹۶

ISBN 978-600-385-039-2

۷۶۸ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ثواب و عقاب. الف. سازندگی، محمد مهدی ۱۳۵۲ - مترجم و

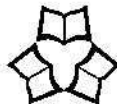
مصحح. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۴

BP۲۲۲/۶/الف ۹۰۴۱

۲۹۵۹۸-۸۱۲ م

کتابخانه ملی ایران



ناشر انتشاراتی امام عصر

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال

مؤلف: شیخ صدوق

مترجم: محمد مهدی سازندگی

ناشر: موسسه انتشاراتی امام عصر (عج)

چاپ: احسان

نوبت چاپ: اول ۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۵-۰۳۹-۲

مرکز پخش: قم / مجتمع ناشران، واحد ۱/۱۰۴ و واحد ۵۱۳

همراه: ۰۹۱۲۷۴۶۶۸۷۶ - ۰۹۱۰۷۵۳۰۸۵۸

تلفن: ۷۸۳۹۷۵۴ ۰۲۵۳

تمام حقوق محفوظ است

زندگی نامه مؤلف رحمته الله

تاریخ ولادت شیخ صدوق

محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به «ابن بابویه»، «محمد بن بابویه» و «شیخ صدوق» نامی ترین دانشمند گرانمایه و بزرگوار و فقیه و محدث عالیقدر شیعه در نیمه دوم سده چهارم هجری در سال ۳۰۵ ه. ق در خاندان علم و تقوی در شهر قم دیده به جهان گشود.

بابویه، نام جد بزرگ او، یک نام کهن ایرانی است که در روزگار پس از ظهور اسلام نیز افرادی به این نام معروف بوده‌اند. برخی این کلمه را منسوب به «بابو» یعنی بابا، پدر، پیر و مرشد می‌دانند و در زبان عربی هم به ضم باء و فتح واو و سکون یاء «بوی» تلفظ می‌شود. بنابراین «ابن بابویه» به معنای «پسر بابا» می‌شود و هم اکنون نیز در میان خانواده‌های ایرانی تعبیر «فرزند بابا» یا «پسر بابا» به فرزند مورد احترام و علاقه پدر بسیار شهرت دارد.^۱

خاندان شیخ صدوق

پدرش علی بن حسین به «صدوق اول» معروف است که مر جا «صدوقین» یا «ابنا بابویه» گفته شود او و فرزندش ابوجعفر محمد در نظر است و تصور اینکه شیخ صدوق و برادرش مراد باشد اشتباه است.^۲

فقیه بزرگوار ابن بابویه قمی، در جوار بارگاه ملکوتی فاطمه معصومه علیها السلام از فقها و محدثان به نام قم که از قلّه‌های فرازمند فرهنگ تشیع به شمار می‌آمدند و در فقه، حدیث و دیگر علوم و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سرآمد روزگار بودند بهره

۱- اعیان الشیعه، سید محسن امین، دارالتعارف بیروت، ج ۲، ص ۲۶۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۶۱؛

دائرة المعارف تشیع بنیاد اسلامی طاهر، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲- اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۶۱.

برد و به سرعت در حدیث و فقه و دیگر علوم اسلامی و نیز در تقوا و پارسایی و فضائل اخلاقی از چهره‌های بی نظیر تاریخ اسلام گشت. نامه‌ای که یازدهمین پیشوای شیعیان برای وی نگاشت جایگاه رفیع ابن بابویه قمی را در بین دیگر دانشمندان و فقهای قم و نیز موقعیت خاص و احترامی که در نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام داشت آشکار می‌سازد.

امام حسن عسکری علیه‌السلام پس از حمد و ثنای ربوبی و صلوات و سلام بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت طاهرینش خطاب به او می‌نویسد:

«یا شیخی و معتمدی و فقیهی، ابا الحسن علی بن الحسین القمّی! وفقک الله لمرضاته و حسن من صلیک اولاداً صالحین برحمته»؛ ای فقیه بزرگوار و مورد اعتماد ابوالحسن علی بن حسن قمی! خداوند تو را بر انجام افعال پسندیده‌اش توفیق دهد و از نسلت به رحمت و کرشمه فرزندان شایسته‌ای به وجود آورد.

امام علیه‌السلام در ادامه این پیام که به شیعیان منشور عبادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی برای یک زندگانی شرافتمندانه انسانی است در روزگار پر از مخاطره و گرداب‌های جهالت و هوسها چنین وصیت می‌کند:

«تو را وصیت می‌کنم به تقوای الهی، بپاداشتن نماز و پرداخت زکات، زیرا نماز کسانی که زکات نمی‌دهند پذیرفته نمی‌شود، و تو را وصیت می‌کنم به گذشت از گناه دیگران، فرو بردن خشم، صله رحم، همدردی با برادران و کمکش در انجام نیازمندی‌های آنان در هنگامه کارها، هم پیمانی با قرآن، خوش خلقی و معروف و نهی از منکر، چرا که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ﴾ من امر بصدقه او معروف او إصلاح بین الناس؛ در بسیاری از گفتگوهای درگوشی آنان چیزی نیست جز آن کس که به صدقه یا معروفی امر کند و یا میان مردم اصلاح نماید و دوری از تمام پلیدی‌ها و زشتی‌ها.

و بر تو باد به نماز شب خواندن! زیرا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امام علی علیه‌السلام چنین سفارش کرد و فرمود: «ای علی! بر تو باد به نماز شب خواندن - و این جمله را سه بار تکرار نمود - و هر کس نماز شب را سبک بشمارد از ما نیست. پس توصیه مرا به کار ببند و شیعیانم را بر انجام آن فرمان ده تا عمل کنند. و بر تو باد به صبر و انتظار فرج، زیرا پیامبر

اسلام ﷺ فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است. امت من و شیعیان ما همواره اندوهگین خواهند بود تا فرزندی که پیامبر ﷺ بشارت ظهور او را داده است قیام کند؛ او زمین را پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده است، سرشار از عدالت و برابری خواهد بود. ای شخصیت بزرگ من! (ابن بابویه قمی) پس صبر کن و شیعیانم را به صبر دستور ده، زیرا زمین از آن خداوند است به هرکس از بندگان که بخواهد واگذار می‌کند و فرجام نیک از آن متقین خواهد بود. «والسلام علیک و علی جمیع شیعتنا و رحمة الله و برکاته»^۱

این متن نامه رببری دینی و معنوی و پیشوای به حق در روی زمین که به دست ابن بابویه قمی رسید، آن را رسید و بر چشمانش گذاشت و فرامین و سفارشات مولایش آب حیات و سرچشمه جانشانی در روزگار طلایی‌اش شد. شیخ صدوق و برادرش حسن با دعای حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شدند.

بعد از سال ۳۰۵ هـ که نایب دوتامام زمان (عج) از نواب اربعه یعنی ثقه‌ی جلیل‌القدر عثمان بن سعید عمری، پس از حدود پنجاه سال نیابت، حضرت بدرود حیات گفت، و حسین بن روح نوبختی به عنوان نائب سوم امام زمان (عج) عهده دار وساطت بین شیعیان و حضرت گردید.

علی بن بابویه قمی که پیشوای علمای قم بود، وارد بغداد شد. عمر با برکت او از پنجاه می‌گذشت و هنوز فرزندی نداشت و از این نظر رنج می‌برد، اما فرصت را غنیمت شمرد و طی نامه‌ای که به حسین بن روح تسلیم نمود از او خواست تا هنگام تشریف به حضور امام زمان (عج) به آن وجود مقدس تقدیم دارد.

وی در آن نامه اشتیاق خود را به داشتن پسری ابراز داشته و از حضرت خواسته بود برای او دعا کند تا خداوند پسری به او روزی نماید. جواب امام زمان ﷺ هم به او رسید که برای تو دعا کردم و به زودی خداوند پسری، و به روایتی، پسرانی فقیه و پاک سرشت

۱ - قاموس الرجال، ج ۷، ص ۴۳۹؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۳۵؛ روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۷۴، لؤلؤة البحرين، ص ۳۸۴؛ زندگانی امام حسن عسکری (ع)، باقر شریف قرشی، جامعه مدرّسین، ص ۸۴؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۲۵.

به تو روزی خواهد کرد.

ولادت صدوق از زبان شیخ طوسی رحمته الله

شیخ طوسی جریان ولادت وی را چنین نقل نموده است:

علی بن بابویه با دختر عموی خود ازدواج کرده بود؛ ولی از او فرزندی به دنیا نیامد. او در نامه‌ای از حضور شیخ ابو القاسم، حسین بن روح تقاضا کرد تا از محضر حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه بخواهد برای او دعا کند تا خداوند اولاد صالح و فقیه به او عطا نماید.

پس از گذشت مدتی از نامه آن حضرت این گونه جواب رسید: «آنک لا ترزق من هذه و ستملك جاریة دینیة و ترزق منها ولدین فقیهین»؛ از همسر فعلی خود فرزندی نخواهی داشت ولی به زودی کنیزی یمنی را مالک می‌شوی و دو پسر فقیه و دین شناس او نصیب تو خواهد شد.^۱

دعای حجت خدا در حق ابن بابویه قمتی با اجابت رسید و خداوند متعال به او از کنیز دیلمی که به همسری برگزید سه پسر هدایت کرد.

۱. ابو جعفر محمد معروف به شیخ صدوق؛

۲. حسین بن علی؛ فرزند دوم ابن بابویه قمتی که شیوه پارسایی و عبادت را گرفت و با مردم کم ارتباط داشت و از فقه بهره‌ای نداشت.^۲

۳. ابو عبدالله حسین بن علی؛ فرزند سوم او که از فقه‌های بزرگ امامیه و از محدثان مورد اعتمادی است که روایت بسیاری از راویان شیعی و نیز از پدر و برادرش شیخ صدوق نقل کرده است.

شیخ صدوق و ابو عبدالله حسین، همان دو فقیهی هستند که به دعای صاحب الزمان (عج) نصیب ابن بابویه قمتی شدند.

علی بن حسین، پدر شیخ صدوق، مؤسس و سلسله جنبان خاندان ابن بابویه قمتی

۱. کتاب الغیبه، ص ۳۰۸، رک کمال الدین و تمام النعمه، ص ۵۰۲؛ کتاب الغیبه، ص ۳۲۰؛ رجال نجاشی، ج ۲، ص ۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۸۰؛ ریحانة الادب، ج ۷، ص ۴۰۰.

است که از نسل پاک او مردان دانشور و پارسایی تا اواخر قرن ششم هجری قمری، یکی پس از دیگری قامت برافراشتند. البته معرفتی چهره‌های علمی و عملی این خاندان بزرگ مجال مستقلی را می‌طلبید که در جای خود ضروری است.^۱

ولادت شیخ صدوق از زبان خودش

شیخ صدوق نیز، جریان ولادت خود را که با تقاضای کتبی پدرش از محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و دعای آن حضرت بوده، در کتاب کمال الدین به صورت حدیث آورده و می‌افزاید:

هرگاه ابو جعفر محمد بن علی الأسود مرا می‌دید که برای فرا گرفتن علم و دانش به محضر استاد می‌روم، می‌فرمود: «این میل و اشتیاق به علم و دانش که در تو وجود دارد مایه شگفتی نیست؛ زیرا تو دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شده‌ای».

وفای به پدر و زیارت خانه خدا

چشم ابن بابویه قمی در سنین حدود هفتاد سالگی به ولادت فرزندانش روشن گردید و دعای دو امام معصوم (امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان عج) در حقیق و نیز نذری که در پیشگاه خداوند متعال کرده بود به اجابت رسید. او منتظر زمان مناسبی بود که شکر این همه لطف و خیر کثیر از جانب پروردگار را انجام دهد و در آستان ربوبی بر خود عهد بسته بود که حق سپاس و شکر در خانه خدا انجام پذیرد. از این رو مقدمات سفر معنوی و روحانی بیت الله الحرام را فراهم کرد.

۱. علامه بحرانی رساله‌ای درباره این خاندان دارد که در دسترس نیست، ولی جهت آگاهی مراجعه کنید به بحار الانوار، ج ۵، ص ۷۹ به بعد و مقدمه کتاب «آیین دوستی و برادری در مکتب اسلام» که ترجمه کتاب مصادقة الاخوان تألیف ابن بابویه قمی پدر شیخ صدوق است.

آرامگاه ابدی

صدوق اول، ابن بابویه قمی، در دانش و کرامتها و صداقت و راستیها مورد احترام و اطمینان نائبان خاص صاحب الزمان (عج) بود.

در سال ۳۲۹ ق، پیش از آنکه علی بن محمد سمری از زندگانی دنیا رخت بربندد و عصر غیبت صغری به پایان رسد، جمعی از استادان بزرگ و ستارگان آسمان حدیث در محضرش بودند که ناگاه فرمود:

«رحم الله علی بن الحسین بن بابویه القمی»؛ خدای تبارک و تعالی علی بن حسین بن بابویه قمی را یامرزدا و به نقلی چنین فرمود: «أجرکم الله فی علی بن الحسین، فقد قبض فی هذه الساعة» خداوند به شما در مصیبت علی بن حسین (ابن بابویه قمی) اجر عنایت فرماید، او در این ساعت از دنیا رفت.

حاضران با شگفتی تاریخ آن روز را یادداشت کردند که پس از ۱۷ یا ۱۸ روز، از قم خبر آمد که علی بن حسین، صدوق اول در عمان ساعت و روزی که علی بن محمد سمری آن جملات را فرمود چشم از این جهان فر بست. صدوق پدر در سالی که به «تناثر النجوم» (فرو ریختن ستارگان) معروف شد در گذشت، در این سال محدث بزرگ، محمد بن یعقوب کلینی رازی و نیز علی بن محمد سمری، چهارمین و آخرین نائبان خاص امام زمان (عج) در غیبت صغری وفات یافتند.

فقهائ و شیعیان قم پیکر مطهرش را تشییع کردند و در جوار بارگاه ملکوتی فاطمه معصومه علیها السلام به خاک سپردند، هم اکنون آرامگاه این ستاره آسمان معرفت در مکانی که در ابتدای خیابان چهار مردان قم واقع است، زیارتگاهی است و دانشمندان و شیعیان به زیارتش می‌روند و از روح ملکوتی و فضای سرشار از معنویت گنبد و بارگاهش بهره می‌برند.

پدر بزرگوار شیخ صدوق رحمته الله

پدر بزرگوار شیخ صدوق، علی بن بابویه قمی سرآمد علماء، فقهاء و محدثین قم بود،

و از برجسته‌ترین علماء و فقه‌های بزرگ زمان خود بود. و پرچم هدایت و مرجعیت فتوا بر دوش این عالم عابد و محدث زاهد و صاحب کرامات، یعنی علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) بوده است.

و در زمان امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌زیسته و مورد احترام آن امامان بوده است. در نامه‌ای که امام حسن عسکری علیه السلام به علی بن بابویه نوشته وی را با کلماتی چون: «شیخ معتمد و فقیه من» خطاب کرده است.

به نقل ابن ندیم دویست جلد کتاب تألیف کرده است. خاندان بابویه قمی از خاندان‌های علمی قم، و از قداست و عفاف و منش والائی برخوردار بوده‌اند.

محمد بن بابویه در چنین خانواده‌ای و از چنان پدری در شهر مذهبی قم متولد گشت. قم در آن روزگار مرکز علماء، فقهاء و محدثین شیعه بوده و هنوز مقام و موقعیت علمی و مذهبی خود را بر مبنای شیعه حفظ کرده است.

پدر او دگه‌ای کوچک در بازار قم داشت که از راه کسب و تجارت و در نهایت زهد و عفاف، امرار معاش می‌کرد و ساعتی از روز را نیز در منزل خود به تدریس و تبلیغ احکام و نقل روایات می‌پرداخت.

شیخ صدوق بیش از بیست سال از دوران پر رکت حیات پدر را درک کرد و در این مدت از محضر پدر و سایر علمای قم کسب علم و تکلیف کرد.

دوران غیبت صغری و کبری

یکی از رویدادهای بسیار مهم سیاسی و اجتماعی زمان شیخ صدوق علیه السلام که آثار و عواقب آن دامن‌گیر بشریت گردید، قطع رابطه ظاهری امت اسلام با امام مسلمانان و فاصله افتادن بین مردم و رهبر معصومشان بود. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هـ. غیبت صغرای امام زمان عجل الله تعالی فرجه آغاز گشت و تا سال ۳۲۹ هـ. ادامه داشت. در طی این مدت افرادی بین آن حضرت و مردم به عنوان نایبان خاص رابطان امام با مردم بودند. نواب امام در طول غیبت صغری چهار نفر بودند که از سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه به این سمت منصوب می‌شدند.

شیخ صدوق در اوائل نیابت سومین نائب، حسین بن روح در حدود سال ۳۰۵ دیده به جهان گشود؛ بنابراین تا سن ۲۳ سالگی در زمان غیبت صغری می‌زیسته و دوران نیابت ۲ نفر از نواب خاص امام زمان (عج) را درک کرده است که این خود از عوامل بسیار مؤثر در پیشرفت و تکامل علمی و خصوصاً معنوی شیخ صدوق (رحمه الله) بوده و توانسته خود را به بلندترین قله‌های نورانی علم و معنویت برساند.

دوران جوانی شیخ صدوق

او در سن ۲۲ یا ۲۳ سالگی بود که پدر بزرگوارش دار فانی را وداع کرد. از آن پس وظیفه سنگین نشر احادیث آل محمد (ص) و هدایت امت به عهده وی قرار گرفت و دوران جدیدی از زندگی او آغاز شد.

محمد بن بابویه به روزگار جوانی پس از فراگرفتن علوم مقدماتی، علم حدیث و فقه بر اساس حدیث را از مفاخر فقهاء و محدثان قم همچون پدرش علی بن بابویه، محمد بن حسن بن ولید، پیشوای فقه‌های قم و دیگران آموخت، آنگاه چون در روزگار سلاطین شیعی آل بویه به سر می‌برده، و آنها بر قسمت اعظم دنیای اسلام تسلط داشتند، به منظور دیدار مشایخ دیگر در سایر نقاط شیعه نشین، و سیر و سیاحت در ممالک اسلامی، از ری تا بلخ و بخارا و از آنجا تا بغداد، کوفه، مکه، مدینه، مناطق میان راه و مراکز دیگر علمی شیعه و سنی و استفاده از علما و دانشمندان مذاهب اسلامی از شیعه‌ی امامی، زیدی و سنی و ... و عرضه احادیث اهل بیت عصمت و طهارت و مکتب فقه و حدیث شیعه که شناخت واقعی اسلام راستین بود، به مسافرت طولانی همت گماشت.

وی در سال ۳۴۷ هـ. در ری از ابوالحسن محمد بن احمد بن علی اسدی، معروف به ابن جراده بردعی حدیث شنیده، و در سال ۳۵۲ به نیشابور رفته و از جمعی از علمای آنجا استفاده نمود.

در همان سال به مشهد مقدس رفته و به زیارت مضجع مطهر حضرت امام رضا (ع) نائل آمد. از مشهد به مرو رفته و در آنجا از جمعی از علما به اخذ حدیث توفیق یافت.

سپس در همان سال یعنی ۳۵۲ وارد بغداد شده و از جمعی از مشایخ آنجا استماع حدیث نمود. این عالم کوشا در سال ۳۵۴ به کوفه و پس از آن به مکه رفت و از محضر علمای آن دیار کسب فیض نمود.

شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی متوفی سال ۴۶۰ هـ که با یک واسطه شاگرد شیخ صدوق بوده است، از وی بدین گونه یاد می‌کند:

«ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، دانشمندی جلیل القدر، بزرگوار، حافظ احادیث، صاحب نظر در رجال و ناقد اخبار بوده، در میان علما و دانشمندان قم در حفظ و کثرت علم مانند او دیده نشده است، نزدیک به سیصد کتاب داشته و فهرست کتابهای او معروف است».

دانشمند عالیقدر رجال ابوالعباس نجاشی متوفی سال ۴۵۰ که رجال خود را بعد از فهرست شیخ طوسی نوشته است، می‌نویسد:

«ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، ساکن ری، شیخ و فقیه ما، و چهره درخشان طائفه در خراسان بود، در سال ۳۵۵ هـ وارد بغداد شد و در زمانی که جوان بود مشایخ طائفه از وی استماع حدیث می‌کردند، او صاحب کتاب‌های بسیاری است».

نابغه بزرگ و فقیه سنت شکن مشهور محمد بن ابریس حلی، متوفی سال ۵۹۸ در کتاب گرانقدرش «سرائر» می‌نویسد:

«دانشمند موثق بزرگوار، متخصص اخبار، ناقد آثار، عالم به رجال، حافظ بزرگ حدیث بود، او استاد پیشوای ما شیخ مفید محمد بن محمد بن محمد بن محمد است».

ابن شهر آشوب او را «مبارز قمی‌ها» نامیده و علامه حلی از وی مانند نجاشی از او نام برده است. و ابن داود او را «شیخ الطائفه» و فقیه و چهره درخشان شیعه در خراسان دانسته و تلفیقی از سخن شیخ و نجاشی را آورده است.

از میان فقهای بزرگ متأخر فقط به ذکر گفتار علامه بحر العلوم اکتفا می‌کنیم که می‌نویسد:

«ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، پیشوایی از پیشوایان

شیعه، و ستونی از استوانه‌های شریعت است، او رئیس محدثین، و در آنچه از ائمه صادقین علیهم‌السلام روایت کرده صدوق و راستگوست. وی با دعای امام زمان علیه‌السلام متولد شد، و از این راه به فضیلت و افتخاری بزرگ نائل گشت. در توقیع مقدس آمده بود که او فقیه، نیک سرشت، پربرکت و از جانب خداوند سودبخش خواهد بود. از این رو برکت وجود او شامل حال تمام خلایق شد و خاص و عام از وی منتفع گشتند، و آثار و تألیفاتش در گذشت روزگار باقی ماند، و عموم فقهای شیعه از فقه و حدیثش نفع بردند.

شیخ صدوق ساکن «ری» شهر بزرگ آن روز ایران و پایتخت رکن الدوله دیلمی بوده است. شیخ صدوق در سال ۳۴۷ و به هنگامی که در اوج شهرت قرار داشته و از لحاظ نبوغ و مقامات علمی و عدلی شخصیت برانزده شیعه بوده است، گویا به دعوت رکن الدوله که شیعه بوده انقم یا ناسان به «ری» رفته و در آنجا ساکن می‌گردد.

شیخ بزرگوار در قم، ری، نیاپور، مشهد مقدس و سایر نقاطی که اقامت داشته روزهای جمعه و سه شنبه احادیث جالبی در مباحث گوناگون بر شاگردان فاضل و دانشمند خود املاء می‌نموده و آنها یادداشت می‌کردند، و پیرامون آن بحث و گفتگو می‌کرده است. از جمله اینها نود و هفت مجلس است که به نام «أمالی» یا «مجالس» چاپ شده و آغاز آن روز جمعه ۲۲ ماه رجب سال ۳۶۱ ه. و آخر آن ۱۹ شعبان سال ۳۶۸ در مشهد امام رضا علیه‌السلام بوده است.

یکی از موقعیت‌های قابل توجه شیخ صدوق این بود که در زمان سلطه امرای آل بویه می‌زیست. آل بویه که آنها را دیالمه نیز می‌گویند، دارای نژادی ایرانی از مردم رودبار گیلان و از لحاظ مذهب شیعه اثنی عشری بوده‌اند. امرای آل بویه از سال ۳۲۰ تا ۴۴۸ هجری قمری در ایران مرکزی، فارس، خوزستان، عراق و سواحل خلیج فارس دولت نیرومندی تشکیل داده و باعث تقویت و رواج مذهب شیعه شده بودند.

موقعیت دیگر شیخ صدوق این بود که شخصیت بلند آوازه شیعه و وزیر دانشمند و با تدبیر رکن الدوله «صاحب بن عباد» متوفی سال ۳۸۵ در ری اداره امور مملکت را به عهده داشت، و این خود فرصتی مناسب برای طرح کلی شیخ صدوق محدث و فقیه عالیقدر شیعه برای بزرگداشت و ارائه مکتب فقه و حدیث شیعه امامیه بود. شاید شیخ

صدوق در میان کلیه دانشمندان ما پس از ثقة الاسلام کلینی تنها دانشمندی باشد که بیش از همه دارای استاد بوده و از آنها اخذ فقه و حدیث و علوم دیگر نموده یا به دریافت اجازه نائل گشته است.

شیخ صدوق مرد بلند آوازه شیعه به هر جا می‌رفته، گذشته از استفاده از رجال شیعه و سنی، به افاده و بیان و املاء احادیث اندوخته، به طالبان علم و شاگردان خود، و آماده ساختن آنها برای حفظ و نگاهداری مکتب و آثار اهل بیت عصمت و طهارت اهتمام داشته است. به همین جهت گروهی از مفاخر علما شیعه و سنی جزو شاگردان او به شمار آمدند، که یا رسماً شاگرد او بوده‌اند، یا از وی روایت نموده یا اجازه گرفته‌اند. مرحوم ربّانی شرازمی به‌علاوه ۲۷ نفر از شاگردان و راویان او را نام برده است. ما مشاهیر آنها را که وارث و نقل آثار مکتب او بوده‌اند، نام می‌بریم:

شیخ مفید محمد بن محمد بن عثمان، هارون بن موسی تلعکبری، حسین بن عبدالله غضائری، برادرش حسین بن علی بن بابویه قمی، حسن بن عباس نجاشی (پدر نجاشی مؤلف رجال)، علم الهدی سید مرتضی سید ابو البرکات علی بن حسین جوزی حسینی حلی.

شیخ طوسی نوشته است وی نزدیک به ۳۰ کتاب تألیف کرده است. شیخ، خود در فهرست ۴۰ کتاب او را نام می‌برد و شیخ اجل نجاشی که رجال خود را پس از فهرست شیخ نوشته و سعی داشته کمبودهای فهرست شیخ را تکمیل کند، ۱۸۹ کتاب را نام برده است. این کتابها که عموماً سودمند و گرانقدر است در جمیع شؤون زندگی انسانی و مبانی اسلامی، و با استادی و مهارت در خور تحسینی تألیف و تصنیف شده و نشانه دانش وسیع و بزرگواری و قداست نفس و صفای باطن رئیس محدثین شیعه است، و هم نماینده وجود ثمربخش و موفقیت‌های اوست که به گفته علامه بحر العلوم خود نشانه بارز دعای حضرت امام زمان (عج) در حق او است.

شیخ بزرگوار در تألیفات خود با نقل احادیث و توضیح مضامین و فتوی بر طبق آنها، روح تعلیم عالیه اسلام و اصول و فروع مذهب شیعه را روشن ساخته است. در میان انبوه کتب مذهبی کمتر کتابی پیدا می‌کنید که از «شیخ صدوق» یا «محمد بن بابویه قمی»

و کتابها و احادیث او ذکرى به میان نیامده باشد.

لازم به ذکر است که جمیع کتب شیخ صدوق مانند سایر فقهاء و محدثین آن زمانها به زبان عربی بوده و اسامی آنها نیز عربی است که ما به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

کتاب توحید، نبوت، اثبات وصیت علی (ع)، سه کتاب در غیبت امام زمان (عج)، معانی الأخبار، خصال، مختصر تفسیر قرآن، من لایحضره الفقیه، عیون اخبار الرضا، ثواب الأعمال.

شیخ بزگوار ابوجعفر محمد بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق پس از هفتاد و چند سال زندگانی درخشان و پر افتخار و مسافرت‌های طولانی در اقصی نقاط بلاد اسلامی و تألیف و تصنیف حدود ۳۰۰ جلد کتاب پر ارزش در ابعاد مختلف زندگی، سرانجام در سال ۳۸۱ هـ در شهر «ری» چشم از جهان فرو بست و به عالم باقی شتافت. آرامگاهش امروز در شهر ری به نام «ابن بابویه» مشهور و زیارتگاه مردم مسلمان است. «قَدْ سَلَ اللَّهُ رُوحَهُ وَ نَوَّرَ صَریحَهُ»

چرا صدوق نامیده می‌شود؟

از مسائلی که در علم رجال و شناخت راویان حدیث مطرح و سبب پذیرش حدیث محدثان می‌شود تصریح دانشمندان این رشته علمی به «المینان و صداقت راوی است. برای آشنایی با اسلام ناب محمدی (ص) و شناخت حقایق قرآن ناگزیر به شناخت سنت پیامبر (ص) و اخبار و احادیث امامان معصوم (ع) هستیم، از سویی نیز وجود دروغگویان و حدیث سازان و درهم آمیختگی احادیث صحیح و جعلی، این شناخت دقیق را برای مردم مشکل می‌سازد؛ از این رو سه تن از بزرگان شیعه، کمر همت بسته و اقدام به جمع آوری و نوشتن چهار کتاب روایی ارزشمند کردند. این کتاب‌ها معروف به «کتب اربعه» و مؤلفان آن‌ها را «محمد بن ثلاث» می‌نامند؛ زیرا اسامی هر سه محمد و کنیه هر سه ابوجعفر بوده است.

۱- اصول کافی، تألیف ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی، دارای ۱۶۱۹۹ حدیث؛

۲- من لایحضره الفقیه تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به شیخ

صدوق شامل ۵۹۶۳ حدیث؛

۳- تهذیب، تألیف ابوجعفر محمد بن الحسن معروف به شیخ طوسی دارای ۱۳۵۹۰ حدیث

۴- استبصار که این کتاب نیز تألیف شیخ طوسی است و ۵۵۱۱ حدیث دارد. عالمان دینی چنان اعتمادی بر شیخ صدوق داشته‌اند که تعبیر به این که ایشان مورد اطمینان است توهین به او گفته‌اند. شیخ صدوق را «صدوق» نامیده‌اند زیرا در نقل حدیث از ائمه علیهم‌السلام خصوصاً امام صادق علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام از راه صواب خارج نشده و در فهم آنها به خطا نرفته است.

در کتب فقه و حدیث شیخ صدوق و پدر بزرگوار ایشان علی بن بابویه را «صدوقین» می‌گویند اما هرگاه شیخ صدوق گفته می‌شود منظور پسر محمد بن علی بن بابویه است نه پدر.

سخن بزرگان

همه علماء و فقهاء بزرگ اسلام با دیده احترام و تعظیم به شیخ صدوق نگریسته‌اند. عدالت او را تأیید کرده و مقام شامخ او را با عباراتی بلند تصدیق کرده‌اند. در میان انبوه کتب مذهبی کمتر کتابی پیدا می‌شود که از «شیخ صدوق» یا «محمد بن بابویه قمی» نامی‌ترین دانشمند گرانمایه و بزرگوار و فقیه و محدث عالم سنی، حدیثی و ذکری به میان نیامده باشد.

صفحات زرین زندگانی این مرد الهی، نگاه تحسین برانگیز تذکره‌ها، ستان را نیز به خود مجذوب ساخته، با جملات برخاسته از اندیشه و فکر و بدون اغراق او را ستودند.

سید بن طاووس رحمته‌الله

سید بن طاووس می‌فرماید: «شیخ صدوق کسی است که همه بر علم و عدالت او اتفاق نظر دارند».

علامه مجلسی رحمته الله

علامه مجلسی در توصیف صدوق می‌فرماید: «شیخ صدوق از بزرگترین علمای گذشته است».

شیخ طوسی رحمته الله

شیخ طوسی در معرفی شیخ صدوق می‌گوید: «او دانشمندی جلیل‌القدر و حافظ احادیث بود. از احوال رجال، کاملاً آگاه و در سلسله احادیث، نقّادی عالی‌مقام به شمار می‌آمد. بین بزرگان قم، نظر حفظ احادیث و کثرت معلومات مانند نداشت و در حدود سیصد اثر تألیفی از خود یادگار گذاشته است».

شیخ نجاشی رحمته الله

رجالی کبیر، نجاشی، چنین می‌نویسد: «او جعفر (شیخ صدوق) ساکن ری، فقیه و چهره برجسته شیعه در خراسان است، او به حداد نیز وارد شد و با این که در سن جوانی بود همه بزرگان شیعه از او استماع حدیث می‌کردند».

علامه بحرانی رحمته الله

علامه بحرانی می‌گوید: «جمعی از اصحاب ما، از جمله علامه در «تخلف»، شهید در «شرح ارشاد» و سید محقق داماد، روایات مرسله صدوق را صحیح می‌دانند و به آنها عمل می‌کنند؛ زیرا همان گونه که روایات مرسله ابن ابی عمیر پذیرفته شده، روایات مرسله صدوق هم مورد قبول واقع شده است».

استاد شیخ صدوق

۱ - پدر بزرگوارش علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی

۲ - محمد بن حسن بن احمد بن ولید

- ۳ - حمزة بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی علیه السلام
- ۴ - ابو الحسن، محمد بن قاسم
- ۵ - ابو محمد، قاسم بن محمد استرآبادی
- ۶ - ابو محمد، عبدوس بن علی بن عباس گرگانی
- ۷ - محمد بن علی استرآبادی

ساکردان

- ۱ - برادرش حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی
- ۲ - شیخ مفید
- ۳ - شیخ ثقة الدین حسین بن حسین بن علی بن موسی بن بابویه، برادرزاده صدوق
- ۴ - علی بن احمد بن عباس، پدر شیخ نجاشی
- ۵ - ابو القاسم، علی بن محمد بن علی خزاز
- ۶ - ابن غضائری، ابو عبدالله، حسین بن عبیدالله بن ابراهیم
- ۷ - شیخ جلیل، ابو الحسن، جعفر بن حسین حسکه قمی، استاد شیخ طوسی
- ۸ - شیخ ابو جعفر، محمد بن احمد بن عباس بن فاخر دوریستی، معاصر شیخ طوسی
- ۹ - ابو زکریا، محمد بن سلیمان حمرانی
- ۱۰ - شیخ ابو البرکات، علی بن حسن خوزی

تالیفات شیخ صدوق

تالیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه‌ای پایان ناپذیر است که هم اکنون نیز با گذشت بیش از یک هزار سال از تاریخ تألیف آنها، به جای فرسودگی و بی‌رونقی، روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افزوده شده و جایگاهی بس رفیع و والا یافته‌اند و در صدر قفسه کتابخانه‌ها و در سینه فقها و دانشمندان جای دارند.

از جمله تألیفات ایشان است:

۱ - من لا یحضره الفقیه (دومین کتاب از چهار کتاب روایی معتبر شیعه)

ایشان در مورد این کتاب این چنین می‌نویسد که :

«لَمْ أَقْصِدْ فِيهِ قَصْدَ الْمُصَنِّفِينَ فِي إِيرَادِ جَمِيعِ مَا رَوَوْهُ، بَلْ قَصَدْتُ إِلَى إِيرَادِ مَا أَفْتَى بِهِ وَ أَحْكَمُ بِصَحَّتِهِ وَ أَعْتَقَدُ فِيهِ حُجَّةً فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَ رَبِّي»؛ در این کتاب آهنگ آن نکرده‌ام که همانند دیگر مصنفان، هر چه روایت نموده‌اند بیاورم، بلکه قصد آن کرده‌ام تا چیزهایی را گزارش نمایم که بدانها فتوی می‌دهم و بدرستی آنها حکم می‌کنم و عقیده دارم که حجتی میان من و خدای من است.^۱

وی نام کتاب «من لا یحضره الفقیه» را از کتاب «من لا یحضره الطیب» تألیف محمد بن زکریای رازی اقتباس کرده است.

۲ - مدینه العلم

۳ - کمال الدین و تمام النعمه در اثبات وجود امام زمان و غیبت طولانی آن حضرت از نظر عقلی و نقلی

۴ - التوحید

در بیان ثواب موخدان و عارفان، در بیان معنی توحید و عدل، تفسیر سوره حمد، در بیان صفات ذات و صفات افعال، در بیان معنی چشم و گوش و زبان و خشنودی خدا، در بیان نام‌های خدا و فرق میان معانی آنها و نامهای آفریدگان، در بیان آنکه قرآن چه چیز است، در ذکر معنی بسم الله الرحمن الرحیم، در تفسیر حروف مجسم، در تفسیر بیان حروف اذان و اقامه، در تفسیر بیان هدایت و ضلالت و توفیق و خذلان از خدای تبارک، در بیان معنی سبحان الله، در بیان معنی الله اکبر، در بیان قضا و قدر، در بیان مشیت و اراده خدای متعال.

۵ - الخصال

مؤلف در این کتاب صفات نیک و بد را به حسب ترتیب شماره از احادیث معصومین و همچنین روایاتی که متضمن عددی است، به ترتیب همان اعداد گرد آورده است.

این کتاب شامل موضوعات اجتماعی و اخلاقی است و برخی از احادیثی که در بیان صفات شیعه و صفات مؤمنین روایت شده، در این کتاب جمع آوری شده است.

۶ - معانی الأخبار

۷ - عیون أخبار الرضا علیه السلام

شامل شرح احوال حضرت رضا علیه السلام می باشد. مؤلف به پاره‌ای از زندگی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و اخبار متفرقه و نادره‌ای که از آن جناب در اختیار داشته پرداخته و نیز به گفتگوهای حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که با سران ادیان آن روزگار در مرو انجام یافته اشاره کرده است.

۸ - الأمالی

اواخر قرن سوم اسلامی، شاه‌ای در میان دانشمندان اسلامی ظهور کرد که آن را فن «امالی» باید نامید. امالی جمع املاء است، بدین صورت که یکی از دانشمندان بنام در انجمنی سخنرانی می کرد و سخنان او را نوشته و جمع آوری می کردند، تا کتابی می شد، و آن را امالی می خواندند.

کتاب امالی شیخ بزرگوار صدوق، مجموعه‌ای است که در جلسات متعدد سخنرانی ایشان، املاء شده و طبق فن اوست. بیانات او همان متن احادیث است با سلسله سند. و معمول مجالس املاء این بوده که سخنرانی از حفظ امام می شده است. مجموع مطالب کتاب امالی، شامل ۹۷ جلسه سخنرانی است، که توسط شاگردان املاء شده، و مجموعه‌ای نفیس از احادیث در موضوعات مختلف اجتماعی، اخلاقی، اعتقادی، در شرایع و احکام مذهب شیعه، در مقتل امام حسین علیه السلام، تفسیر سوره حمد و ... است.

۹ - المقنع فی الفقه

۱۰ - الهدایة بالخیر

۱۱ - علل الشرایع (درباره فلسفه احکام و علت تشریع آنها)

در بیان حکمت و فلسفه احکام الهی با استفاده از احادیث، و اینکه چرا باید مسلمین این تکالیف واجبه را انجام دهند، و یا علت و جهت آنچه که شارع مقدس آنها را از آن

نهی فرموده، چه بوده است. در بیان علت احکام به این کیفیت و کمیت که بندگان به آن مأمورند. و همچنین متضمن احادیث شریفه در احوالات بعضی از انبیاء.

۱۲- جامع الأخبار

۱۳- أوصاف النبی ﷺ

۱۴- اثبات الخلافة

۱۵- صفات الشيعة

نقل مجموعه احادیثی از امامان معصومین علیهم السلام، که در مورد صفات شیعیان ایشان می باشد.

۱۶- فضل الشيعة

مجموعه ای از احادیث، در مورد فضائل و صفات شیعیان و محبت علی بن ابی طالب علیه السلام.

۱۷- ذکر المجالس

۱۸- الإعتقادات

۱۹- الأوائل الأواخر

۲۰- دعائم الإسلام

۲۱- هداية

۲۲- المقنع

۲۳- مصابيح

۲۴- مصباح

۲۵- معراج

۲۶- ابطال

۲۷- اختيار

۲۸- كتاب الطهارة

۲۹- كتاب الصلوة

۳۰- مصادقة الأخوان (آیین دوستی و برادری در مکتب اسلام)

مجموعه‌ای از احادیث منقول از ائمه معصومین علیهم‌السلام در باب اقسام دوستان و برادران، حدود دوستی، گفتگو و مواسات با برادران دینی، حقوق برادران درباره همدیگر، سود رسانیدن برادران به یکدیگر، خوشرویی، رسیدگی به کارهای برادران، مصافحه، دیدار برادران، دعا برای برادر مومن و ...

۳۱ - المواعظ

بخشی از احادیث، مواعظ و سفارشات منقول از ائمه اطهار علیهم‌السلام و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به صحابه.

۳۲ - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (همین کتاب)

این کتاب دارای دو بخش است که تماماً شامل احادیث معصومین است. بخش اول یا ثواب الأعمال، راجع به فضائل و حسنات و بخش دوم یا عقاب الأعمال، راجع به رنج و زیان و عذاب سیئات است. این کتاب با حجم اندکش مبشری دانا و منذری تواناست. از جمله مطالب بخش اول می‌توان به این موارد اشاره نمود: ثواب اذکار، طهارت، نماز، حج و عمره، روزه، زیارات، تلاوت قرآن و ثواب هر سوره، صدقه و بخشش، اداء حق مؤمن و ...

مسافرت‌های شیخ صدوق

شیخ صدوق از کسانی است که برای جمع آوری احادیث از میان معصوم علیهم‌السلام به مسافرت‌های بسیار رفته است. در این سفرها از استادان بزرگی استفاده کرده و خود نیز به تدریس و بحث می‌پرداخته است. صدوق برخی از کتاب‌های خود را در این سفرها تألیف کرده است. از جمله سفرهای شیخ صدوق سفر به شهرهای بخارا، نیشابور، طوس، اصفهان و بغداد بوده است.

خراسان: شیخ صدوق در خاتمه کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، از سفر خود به زیارت حضرت رضا علیه‌السلام در ماه رجب سال ۳۵۲ هجری قمری یاد کرده است که قبل و بعد از آن به دیدار رکن الدوله وزیر آل بویه نیز رفته است.

در ماه ذی الحجه سال ۳۶۷ هجری قمری نیز به مشهد الرضا علیه‌السلام سفر کرده است که

مجلس روز غدیر سال ۳۶۷ را در آن شهر، با عظمت فوق العاده‌ای برگزار نموده است. چنانچه در مجلس ۲۶ از امالی خود نیز به آن اشاره دارد.

پس از آن به ری بازگشته است و مجلس ۲۷ امالی را در اول محرم ۳۶۸ هجری قمری در ری بر پا داشته است.

بار دیگر، در شعبان سال ۳۶۸ هجری قمری در مسیر خود به ماوراء النهر، به زیارت مشهد مقدس رفته و در این شهر، چهار مجلس بیان حدیث داشته است. (مجلس ۹۴ تا ۹۷، شب ۱۷ تا ۱۹ شعبان ۳۶۸).

استر آباد در ۴۴۰ : در این دو شهر، تفسیر امام حسن عسکری (ع) را از محمد بن قاسم، مفسر استر آبادی وایت کرده است و با قاسم بن محمد استر آبادی، عبدوس بن علی جرجانی، و محمد بن علی استر آبادی نیز دیدار نموده است.

نیشابور : در شعبان سال ۳۸۱ هجری قمری یعنی در اولین سفر وی به مشهد مقدس، در مسیر بازگشت به ری وارد این شهر شد و مدتی در آنجا اقامت گزید و مورد مراجعه مردم بود، که در مقدمه کتاب اکمل الدین از آن خبر می‌دهد.

سفرهای فراوانی به شهرهای مختلف داشت، که این امر با توجه به سختی مسافرت در آن روزگار، اهمیت و شخصیت و اهتمام ایشان را به تعلیم و تعلم علوم آل محمد (ع) نشان می‌دهد.

مرو رود : شهری در نزدیکی مرو شاه جهان در خراسان، که در ضمن سفر خراسان به آن شهر وارد شد.

سرخس : در راه خود به خراسان به این شهر نیز وارد شد.

سمرقند : از مهمترین شهرهای ماوراء النهر، که در سال ۳۶۸ از آن شهر دیدار کرد.

بلخ : به این شهر نیز در سال ۳۶۸ وارد شد.

ایلاق : از شهرهای ماوراء النهر، که شیخ صدوق در سال ۳۶۸ به آن شهر رسید و مدتی در آنجا اقامت گزید. در همین شهر، با شریف ابو عبد الله محمد بن حسن موسوی، مشهور به سید نعمت ملاقات کرد و همین ملاقاتها به تألیف کتاب «من لا یحضره الفقیه» منتهی شد. شریف نعمت در همین سفر، ۲۴۵ کتاب از تألیفات صدوق را

استنساخ نمود، و از شیخ صدوق اجازه نقل روایات آن را گرفت.

نکته مهم این است که در این سال، تنها چهار سال از وفات محمد بن زکریای رازی گذشته است (وفات رازی در سال ۳۶۴ بوده است). و تألیف من لا یحضره الفقیه در سال ۳۶۸، نشان می‌دهد که شیخ صدوق، تا چه اندازه به نیازهای شیعیان آن روز وقوف داشته است.

فرغانه: از شهرهای بلخ، که در ضمن بلخ به آن رسید.

همدان: در راه سفر حج به آن وارد شد.

بغداد: این شهر، که در قرن چهارم مرکز علما و فقها و محدثان بوده است، در سال ۳۵۲ هجری پذیرای شیخ صدوق گردید. وی در حالی که در سنین میان سالی در این شهر، در جمع محدثان که هشتاد سال حضور یافت و برای آنان حدیث گفت. یک بار دیگر نیز در سال ۳۵۵ در راه بازگشت از سفر حج در این شهر، به افاضه علمی پرداخت.

از جمله کسانی که در این شهر، از شیخ صدوق بهره علمی بردند، این افراد هستند:

ابو محمد حسن بن یحیی حسینی علوی، ابوالحسن علی بن ثابت دوالیبی.

در این شهر، همچنین از مشایخ از جمله محمد بن عمر حافظ و ابراهیم بن هارون هیبتی روایت کرد.

کوفه: شیخ صدوق در راه سفر حج وارد کوفه شد.

در مسجد جامع کوفه، از محمد بن بکران نقاش، احمد بن ابی هبیب فامی، حسن بن محمد هاشمی، ابوالحسن علی بن عیسی و جمعی دیگر حدیث روایت کرد.

در حرم مطهر امیر المومنین (علیه السلام)، از محمد بن علی کوفی؛ در خانه ابوالحسن علی بن حسین همدانی از او و در مواضع دیگر شهر کوفه از ابوذر یحیی بن زید بزّاز و حسن بن محمد سکونی مزکی حدیث شنید.

مکه و مدینه: به حج مشرف شد.

فید: مکانی میان مکه و مدینه است که پس از بازگشت از مکه، نزد ابوعلی احمد بن ابی جعفر بیهقی رفت و از او حدیث شنید.

اهمیت این سفرها زمانی معلوم می‌شود که به مشقت مسافرت در آن زمان توجه گردد.^۱

صدوق سرانجام به دعوت صاحب بن عباد نخست وزیر دولت آل بویه در زمان رکن الدوله دیلمی و مردم شهر ری، به آن شهر آمده، تشکیل حوزه و کلاس درس داد و به تدریس فقه و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام مشغول گردید.

عصر شیخ صدوق

عصر شیخ صدوق را باید به لحاظ دوره شناسی فقهی به دوره دوم و «عصر حدیث» نامید، این دوره از حدود عیبت دبری در سال ۳۲۴ هـ. ق تا نیمه اول قرن پنجم را در بر می‌گیرد. فقه‌های این دوره در این روزگار و در دو شهر قم و ری می‌زیستند. در این دوره مهمترین منابع حدیثی شیعه مانند: «کافی»، «من لایحضره الفقیه»، «استبصار» و «تهذیب» تألیف شده است، در این دوره برای اولین بار کتب فقهی فتوایی تألیف گردید. دوره‌ای که با حرکت علمی شیخ کلینی رحمه‌الله آغاز می‌شود با تلاش‌های پیگیر و بی وقفه شیخ صدوق ادامه یافت. شیخ کلینی با این حرکت علمی جدید، مکتب حدیث نگاری اهل بیت علیهم‌السلام را آغاز کرد و دیگران از جمله شیخ صدوق برای مستحکم ضبط و نشر حدیث را بر آن بنیان نهادند. صدوق برای ادامه راهی که کلینی در آن قدم نهاده بود سفرهای علمی بسیاری انجام داد و کوشش‌های بی شماری کرد.

فقها و بزرگان مسلمان، شیخ صدوق را بیشتر با لقب «رئیس المحدثین» شناخته‌اند؛ زیرا او در شناخت احادیث، آگاه و در حفظ منابع و جمع آوری آن تلاش فراوان می‌کرده است. شیخ صدوق احادیث را به تناسب موضوعات مختلف دسته بندی و برای هر موضوع، باب جداگانه‌ای باز می‌کرد، مانند کتاب من لایحضره الفقیه یا عیون اخبار الرضا علیه‌السلام یا کتاب‌های دیگر صدوق که وی در هر یک از آنها طبق اختلاف موضوعات و مزایا، باب‌های جداگانه‌ای گشوده است.

تاریخ وفات

این عالم بزرگ و آخرین بازمانده خاندان صدوق، پس از عمری طولانی و پر برکت در حدود هفتاد و چند سال، در سال ۳۸۱ هجری دیده از جهان فانی فرو بست و به سرای باقی شتافت.

محل دفن

پیکر پاکش در میان غم و اندوه مردم تشییع و در نزدیکی مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم در شهر ری دفن گردید. امروزه آرامگاهش به نام «ابن بابویه» مشهور و قبر منورش زیارتگاه مسلمانان و محل استجابت دعای مؤمنان است.

کرامتی از شیخ صدوق پس از نصد سال

آرامگاه شیخ صدوق، در گذر زمان به خاطر حمله مغولان و جنگهای خوارزمیان و تیموریان و همچنین به علت حوادث مختلف چندین مرتبه خراب و ویران شد و سالها در زیر توده های خاک پنهان گردیده بود.

در عهد حکومت فتحعلی شاه قاجار در حدود سال ۱۲۳۸ هـ سیل عظیمی آمد و تمام اراضی مزروعی و باغات اطراف شهر ری را آب فرا گرفت و بعضی از مناطق را تخریب نمود که در این حادثه، واقعه عجیبی نیز اتفاق افتاد.

باغ مستوفی در اطراف شهر ری، یکی از باغاتی بود که در آنجا رحلت می کردند. مرقد شریف صدوق علیه السلام که در این محوطه قرار داشت به دلیل بارندگی های زیاد خراب شده و رخنه ای در آن پیدا می شود، برای تعمیر مرقد اطرافش را می کنند تا به سردابی که مدفن شیخ صدوق بود برخورد می کنند، با تفحص و بررسیهای انجام شده در سرداب، متوجه لوح و سنگ قبری می شوند که بر روی آن چنین نوشته شده است:

«هذا المرقد العالم الكامل المحدث، ثقة المحدثین، صدوق الطائفة، ابوجعفر محمد بن

علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی».

و بدن شریف صدوق را کاملاً سالم، آنچنان که گویا تازه از حمام آمده باشد مشاهده می‌کنند و اثر خضاب را در انگشتان شریفش می‌بینند.

سرداب را بازسازی کرده و در آن را بستند و حفره پدید آمده را نیز مرمت کردند و بنایی مناسب بر آن ساختند و به بهترین وجه تزیین و آیینه کاری نمودند.

۲۰ نفر از بزرگانی که خود شاهد این کرامت بوده‌اند که می‌توان به میرزا ابوالحسن جلوه، حضرت آیت الله ملا محمد رستم آبادی و مرحوم والد حضرت آیت الله مرعشی نجفی حاج سید محمود مرعشی نام برد.

پدر آیه الله مرعشی نجفی که از شاهدان واقعه بوده می‌گوید: دیدم که ناخنهای انگشتان دست ایشان تازه کوتاه شده بود از این رو احتمال می‌دهم که روز رحلتشان پنج شنبه یا جمعه بوده چون بر طبق دستورات و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام روز پنج شنبه و به خصوص روز جمعه، روز سعادت و پاک‌گی لقب گرفته و کوتاه نمودن ناخن انگشتان در این دو روز جزو سنتهای پسندیده بر شمرده شده است.

تفصیل این واقعه را بسیاری از بزرگان در کتب خود، مانند: خوانساری در کتاب روضات، تنکابنی در کتاب قصص العلماء، مامقانی در کتاب تنقیح المقال، خراسانی در کتاب منتخب التواریخ، قمی در کتاب فوائد الرضویة و بازی در کتاب اختران فروزان ری و همچنین در مقدمه کتب مرحوم صدوق، از جمله کتاب ابوالدین صدوق و مقدمه کتاب خصال صدوق نقل نموده‌اند.

این چنین است سرانجام عاشقان و دلدادگان کوی حضرت دوست که مس وجود خود را با کیمیای محبت او به طلا مبدل ساختند.

«سخن مترجم»

موضوع کتاب

شیخ صدوق در کتاب ثواب الأعمال روایات فراوانی را در بیان اعمال پسندیده و ناپسند و پاداش اعمال نیک و مجازات اعمال بد انسان آورده است. همچنین وی در این کتاب روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام درباره اعمال خیری که خداوند بر آن وعده پاداش داده و اعمال شری که خداوند بر آنها وعده عذاب و عقاب داده آورده است.

اعتبار منی و مندی

کتاب ثواب الأعمال مانند دیگر کتاب‌های شیخ صدوق پیوسته مورد توجه علما و فقهای شیعه قرار داشته و از معتبرترین اصول روایی شیعه به شمار می‌آید. روایات این کتاب نیز در بسیاری از کتب معتبره شیعه مانند: کتب اربعه، بحار الانوار و وسائل الشیعه نقل شده و به آنها استناد شده است.

ارزش کتاب

کتاب ثواب الأعمال و عقاب الأعمال دائرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی و احکام حلال و حرام می‌باشد و هیچ فقیه دانشمند و یا ادیب نام‌آوری از این کتاب بی‌نیاز نیست. این کتاب دارای مطالب مفید و مباحث ارزشمندی است و از جمله روایات نفیس اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می‌آید.

انگیزه نگارش این کتاب

شیخ صدوق رحمته الله درباره انگیزه نگارش این کتاب می‌فرماید:
«امری که موجب گشت این کتاب را به رشته تحریر درآورم روایتی بود از حضرت

رسول خدا ﷺ که می‌فرماید: «راهنما بر انجام عمل نیک مانند انجام دهنده آن است»، و آن را «ثواب الأعمال» نام نهادم به امید آنکه خداوند مرا از پاداش آن محروم نفرماید و به جز امید به پاداش الهی و خشنودی خداوند سبحان چیز دیگری مقصود من نبوده است».

سخن علامه مجلسی رحمه الله

علامه مجلسی می‌فرماید: «کتاب‌های شیخ صدوق در شهرت، در حد کتب اربعه می‌باشد و در احادیث روایی ما از مشایخ بزرگ شیعه موجود است و بسیاری از علما و فقهای شیعه از آن روایت نقل کرده و به لطف خداوند نسخه‌های قدیمی و تصحیح شده‌ای از آن در اختیار ما باشد».

تعداد احادیث این کتاب

کتاب ثواب الأعمال شامل ۷۸۸ حدیث است که در ضمن ۳۸۹ عنوان آمده‌اند. و کتاب عقاب الأعمال نیز شامل ۳۳۱ حدیث است که در ضمن ۱۳۱ عنوان آمده‌اند. که مجموع احادیث مندرج در این کتابی ۱۱۱۹ حدیث در ۵۲۰ عنوان می‌باشد.

مهم‌ترین عناوین کتاب

کتاب ثواب الاعمال شامل موضوعاتی مانند: ثواب گفتن لا إله إلا الله، رفتن به مسجد، تفکر، زیارت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، حفظ قرآن، توبه، عمل به علم، شاد کردن دل برادر مؤمن و ثواب جهاد در راه خدا می‌باشد.

کتاب عقاب الاعمال نیز شامل موضوعاتی مانند:

مجازات کسی که در انجام فرامین الهی سستی به خود راه دهد، قسم دروغ، زکات ندادن، اذیت مؤمن، قطع رحم، حاکم ستمگر و مجازات ترک امر به معروف و نهی از

منکر می‌باشد.^۱

به این ترتیب خواننده محترم با قرائت یک دوره کامل این کتاب شریف مجموعه کاملی از احادیث ناب را مورد مطالعه قرار خواهد داد و این خود نعمتی بزرگ است.

سخن‌نمایی

در پایان از خداوند متعال سپاسگزارم که توفیق ترجمه و تحقیق این کتاب شریف را نصیب این حقیر نمود، امید است که مورد بهره‌مندی قرار بگیرد.
بر خود لازم می‌دانم که از ناشر گرامی، دوست ارجمندم جناب آقای فرمانی تشکر و قدردانی نمایم که فرصت ترجمه این اثر گرانبه را در اختیار بنده قرار دادند.

زمستان ۱۳۸۷

محمد مهدی سازندگی

«فهرست مطالب»

۵	زندگی نامه مؤلف ((ره))
۵	تاریخ ولادت شیخ صدوق
۵	خاندان شیخ صدوق
۸	ولادت صدوق از زبان شیخ طوسی (ره)
۹	ولادت شیخ صدوق از زبان خودش
۹	وفای به پدر و زیارت خانه خدا
۱۰	آرامگاه پدری
۱۰	پدر بزرگوار شیخ صدوق (ره)
۱۱	دوران غیبت «غریب کبری»
۱۲	دوران جوانی شیخ صدوق
۱۶	چرا صدوق نامیده می شود؟
۱۷	سخن بزرگان
۱۷	سید بن طاووس (ره)
۱۸	علامه مجلسی (ره)
۱۸	شیخ طوسی (ره)
۱۸	شیخ نجاشی (ره)
۱۸	علامه بحرانی (ره)
۱۸	اساتید شیخ صدوق
۱۹	شاگردان
۱۹	تالیفات شیخ صدوق
۲۳	مسافرت های شیخ صدوق
۲۶	عصر شیخ صدوق
۲۷	تاریخ وفات
۲۷	محل دفن
۲۷	کرامتی از شیخ صدوق پس از نهصد سال
۲۹	«سخن مترجم»

۲۹	موضوع کتاب
۲۹	اعتبار متنی و سندی
۲۹	ارزش کتاب
۲۹	انگیزه نگارش این کتاب
۳۰	سخن علامه مجلسی (ره)
۳۰	تعداد احادیث این کتاب
۳۰	مهم ترین عناوین کتاب
۳۱	سخن پایانی

کتاب ثواب الأعمال

۳۶	ترجمه [مقدمه و الف]:
۳۷	ثواب کسی که بگوید «لا اله الا الله»
۴۳	ثواب کسی که ۱۰۰ مرتبه «لا اله الا الله» بگوید
۴۳	ثواب کسی که «لا اله الا الله وحده وحده» بگوید
۴۴	ثواب کسی که «لا اله الا الله» را از روی اخلاص بگوید
۴۶	ثواب کسی که صدای خود را در گفتن «لا اله الا الله» بلند کند
۴۷	ثواب کسی که «لا اله الا الله» را با شرائطش بگوید
۴۸	ثواب آنکه شهادت «لا اله الا الله» از او پذیرفته شود
۴۹	ثواب کسی که صد مرتبه «لا اله الا الله الملك الحق المبين» را بگوید
۵۰	ثواب کسی که بدون تعجب بگوید: «لا اله الا الله»
۵۰	ثواب آنکه هر روز بگوید: «أشهد أن لا اله الا الله، وحده لا شريك له»
۵۱	ثواب کسی که در هر روز ۳۰ مرتبه بگوید: «لا اله الا الله الحق المبين»
۵۲	ثواب بسیار گفتن ذکر: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»
۵۲	ثواب کسی که در هر روز پانزده مرتبه بگوید: «لا اله الا الله حقاً حقاً ...»
۵۳	ثواب کسی که دعایش را با «ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله» ختم کند
۵۴	ثواب کسی که در هر روز هفت مرتبه بگوید: «الحمد لله على كل نعمة ...»
۵۴	ثواب کسی که به یگانگی پروردگار و رسالت پیغمبر اکرم ﷺ شهادت دهد
۵۵	ثواب کسی که صد مرتبه تکبیر، صد مرتبه تسبیح و ... بگوید
۵۷	ثواب کسی که بگوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

۶۰	ثواب کسی که «سبحان الله و بحمده، سبحان الله العظيم و بحمده» بگوید
۶۰	ثواب کسی که بدون تعجب بگوید «سبحان الله»
۶۱	ثواب کسی که صد مرتبه «سبحان الله» گوید
۶۱	ثواب کسی که بگوید: «الحمد لله كما هو أهله»
۶۲	ثواب کسی که در صبح و شام چهار مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»
۶۳	ثواب کسی که خدا را تمجید کند
۶۳	ثواب کسی که خدا را همانگونه که خود را تمجید فرموده تمجید کند
۶۴	ثواب شخص عاقل
۶۵	ثواب خست
۶۶	ثواب کسی که به رهبریت پروردگار و نبوت پیغمبر ﷺ و ...
۶۷	ثواب کسی که در هر نماز، ود به بیت الخلاء «بسم الله» بگوید
۶۷	ثواب کسی که در هر نماز وضو ذکر خدا بگوید
۶۸	ثواب کسی که مانند امیر المومنین (ع) وضو بگیرد و مانند او ذکر خدا کند
۷۱	ثواب خشک نمودن آب وضو با دستمال و ترک آن
۷۱	ثواب وضو برای نماز مغرب و صبح
۷۲	ثواب باز گذاشتن دیدگان هنگام وضو
۷۲	ثواب تجدید وضو
۷۳	ثواب مسواک کردن
۷۴	ثواب کسی که آب دهن خود را به احترام مسجد فرو نبرد
۷۵	ثواب کسی که با وضو به بستر خواب برود
۷۶	ثواب بسیار مضمضه و استنشاق کردن
۷۶	ثواب وارد شدن به حمام با ستر عورت
۷۷	ثواب کسی که چشم خود را از نگاه کردن به عورت برادر دینی خود فروبیااندازد
۷۷	ثواب شستن سر با خطمی
۷۸	ثواب شستن سر با برگ سیدر
۷۹	ثواب آنکه حناء ببندد
۸۳	ثواب کسی که نوره بکشد
۸۳	ثواب شانه کردن موی سر

۸۴	ثواب کسی که هفتاد بار ریش خود را شانه بزند
۸۴	ثواب کسی که سرمه بکشد
۸۵	ثواب تراشیدن موی بدن
۸۶	ثواب گرفتن ناخن و کوتاه کردن شارب
۸۹	اجر پوشیدن نعلین [کفش] سفید رنگ
۹۰	ثواب پوشیدن نعلین زرد
۹۰	ثواب پوشیدن موزه
۹۱	اجر کسی که هنگام بریدن لباس نو سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند
۹۲	اجر کسی که زان در آئینه نگاه کند و حمد خدا را بجا آورد
۹۲	اجر کسی که هنگام دیدن یمودی و یا نصرانی یا مجوسی این کلام را بگوید
۹۳	ثواب کسی که وضو را بگردد و نماز نیکو بخواند، و ...
۹۴	ثواب کسی که بگوید: «سَمِعْتُ اللَّهَ رَبَّنَا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ ...»
۹۵	ثواب دعا کردن در شب و روز
۹۵	ثواب آمدن به مساجد
۹۶	ثواب پی در پی به مسجد رفتن
۹۷	ثواب پیاده رفتن به سوی مساجد
۹۷	ثواب کسی که قرآن کلامش و مسجد خانه‌اش باشد
۹۸	اجر کسی که وضو بگیرد و پس از آن به مسجد برود
۹۹	اجر کسی که نمازهای پنجگانه را به پا بدارد، و اوقات آنها را حفظ کند
۱۰۱	ثواب نمازهای نافله
۱۰۱	اجر آنکه چراغی را در مسجدی روشن کند
۱۰۲	اجر کسی که در حال نماز آب دهان را برای بزرگداشت خداوند بیرون نیندازد
۱۰۲	ثواب خواندن نماز در مسجد الحرام
۱۰۳	ثواب نماز در مسجد النبی ﷺ
۱۰۳	ثواب نماز در وسط مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ
۱۰۳	ثواب نماز در مسجد کوفه
۱۰۵	ثواب نماز در بیت المقدس و مسجد جامع و مسجد محله و مسجد بازار
۱۰۵	ثواب کسی که مسجد را جاروب کند

۱۰۶	ثواب اذان گویان
۱۰۶	ثواب کسی که هفت سال برای خدا اذان بگوید
۱۰۷	ثواب کسی که یک سال در شهری از شهرهای مسلمانان اذان بگوید
۱۰۷	ثواب آن کس که اذان مؤذن را بشنود و مانند او تکرار کند
۱۰۸	ثواب کسی که ده سال برای رضای خدا اذان بگوید
۱۰۹	ثوابی که در میان اذان و اقامه به مؤذن می‌دهند
۱۱۰	ثواب کسی که نماز را همراه با اذان و اقامه بخواند
۱۱۱	ثواب کسی که در نماز مستحبی خود در هر رکعت ...
۱۱۱	ثواب قنوت خوانی در نماز
۱۱۲	ثواب کسی که رکعتش را درست بجا آورد
۱۱۲	ثواب کسی که یک سجده بجا آورد
۱۱۳	ثواب کسی در حال سجده دو کف دست را بر زمین بچسباند
۱۱۳	ثواب کسی که سجده‌اش را طرانی کند
۱۱۴	ثواب کسی که در رکوع و سجده قبل از خدا صلوات بفرستد
۱۱۵	ثواب سجده شکر
۱۱۵	ثواب نماز
۱۱۷	ثواب کسی که نماز صبح را در اول وقت بخواند
۱۱۷	فضیلت اول وقت بر آخر وقت
۱۱۸	ثواب کسی که نمازهای واجب خود را در اول اوقات آن بجا آورد
۱۱۹	ثواب خواندن نماز قصر در مسافرت
۱۱۹	ثواب خواندن نماز جمعه برای مسافر
۱۲۰	ثواب نماز جماعت
۱۲۱	ثواب ایستادن به نماز
۱۲۱	ثواب کسی که بعد از نماز عصر در روز جمعه صلوات بفرستد
۱۲۲	ثواب قرائت این چند سوره بعد از نماز جمعه
۱۲۳	ثواب دیگری در همین معنی
۱۲۴	ثواب گام برداشتن به سوی نماز و تعلیم قرآن
۱۲۵	ثواب نابینائی که برای خدا صبر کند

۱۲۵	ثواب کسی که از روی اخلاص دو رکعت نماز بخواند یا ...
۱۲۶	مزیت جمعه‌های ماه مبارک رمضان بر جمعه‌های ماه‌های دیگر
۱۲۷	اجر نماز آنکه عطر استعمال کند
۱۲۷	اجر نماز کسی که ازدواج کرده است
۱۲۷	اجر کسی که چهار رکعت نماز بخواند و ...
۱۲۸	ثواب نماز جعفر بن ابی طالب (ع) [جعفر طیار]
۱۲۹	ثواب کسی که نماز شب بخواند
۱۳۳	ثواب شب آنکه داری با قرآن
۱۳۷	ثواب کسی که دو رکعت نماز بخواند و بداند که چه می‌گوید
۱۳۷	ثواب کسی که با شکر دو رکعت نماز مختصر بخواند
۱۳۸	ثواب خواندن نماز نافله در حالت غفلت
۱۳۸	ثواب آنکه در هر هفته پنج رکعت نماز بخواند
۱۳۹	ثواب آنکه پس از نماز صبح بارده از سوره توحید را بخواند
۱۳۹	ثواب خواندن تعقیبات نماز
۱۴۱	ثواب جدا کردن زکات از مال و رساندن آن به مستحقش
۱۴۲	ثواب حج و عمره
۱۵۱	ثواب کسی که با حاجی مصافحه کند
۱۵۱	باب نادر
۱۵۲	ثواب شخص روزه‌دار
۱۵۴	ثواب روزه‌داری که ناسزا بشنود و پاسخ دهد: «من روزه دارم، سلام بر تو»
۱۵۵	ثواب کسی که یک روز در راه رضای خدای عز و جل روزه بدارد
۱۵۵	ثواب کسی که در گرما روزه بگیرد و تشنگی بر او غلبه کند
۱۵۶	ثواب کسی که یک روز روزه مستحبی بگیرد
۱۵۶	ثواب کسی که پایان عمر در حال روزه باشد
۱۵۷	ثواب کسی که در حال روزه اول روز عطر استعمال کند
۱۵۷	ثواب روزه‌داری که بر جماعتی بگذرد که مشغول خوردن طعامند
۱۵۸	ثواب روزه ماه رجب
۱۷۲	ثواب روزه ماه شعبان

- برتری ماه رمضان و ثواب روزه آن ----- ۱۸۴
- ثواب دعایی در در آیام دهه ذی الحجّه خوانده می شود ----- ۲۰۵
- ثواب روزه در دهه اول ماه ذی الحجّه ----- ۲۰۸
- ثواب روزه عید غدیر ----- ۲۱۰
- ثواب عبادت نمودن در شب عید ----- ۲۱۲
- ثواب آنکه شب عید را احیا بدارد ----- ۲۱۶
- ثواب آنکه ماه رمضان را روزه بدارد، و ... ----- ۲۱۷
- ثواب آنکه یک بار از نماز امام در روز عید، چهار رکعت نماز بخواند ----- ۲۱۷
- ثواب کسی که روز بیست و پنجم ذی القعدة روزه بگیرد ----- ۲۲۲
- ثواب افطار کردن با آب ----- ۲۲۲
- ثواب روزه گرفتن در دو جشنه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه ----- ۲۲۳
- ثواب آنکه از روزه های سه گانه عاجز است و برابر هر روز در همی تصدق می دهد -- ۲۲۸
- ثواب کسی که در خانه برادر و منشی افطار کند ----- ۲۲۹
- ثواب آنکه پیغمبر و امیر المؤمنین و حسنین و ائمه را زیارت کند ----- ۲۲۹
- ثواب آنکه بر شهادت سیّد الشهداء (ع) شهادت نصیبت ----- ۲۳۱
- و آزاری که به اهل بیت یا به خود آن حضرت رسیده بگیرد ----- ۲۳۱
- ثواب آنکه در رثاء امام حسین (ع) شعری بگوید و بخواند یا ... ----- ۲۳۲
- ثواب آنکه قبر حسین (ع) را زیارت کند ----- ۲۳۵
- ثواب زیارت قبور ائمه صلوات الله علیهم اجمعین ----- ۲۶۵
- ثواب زیارت قبر حضرت معصومه دختر امام کاظم (ع) در قم ----- ۲۶۶
- ثواب زیارت قبر عبد العظیم حسنی (ع) در شهر ری ----- ۲۶۷
- ثواب آنکه دسترسی به خاندان عصمت ندارد و به دوستان صالحان نیکی کند -- ۲۶۸
- ثواب احسان کردن به امام (ع) ----- ۲۶۸
- ثواب اهل قرآن ----- ۲۶۹
- ثواب کسی که یک بار کامل قرآن را در مکه معظمه بخواند ----- ۲۷۰
- ثواب کسی که یادگیری قرآن برایش سخت باشد ----- ۲۷۰
- ثواب جوان با ایمانی که قرائت قرآن کند ----- ۲۷۱
- ثواب آنکه قرآن را ایستاده و یا نشسته در نماز و غیر نماز بخواند ----- ۲۷۲

۲۷۳	ثواب آنکه از صد تا پانصد آیه در نماز شب بخواند
۲۷۳	ثواب کسی که قرآن را حفظ کند و به آن عمل کند
۲۷۴	ثواب کسی که بکوشد تا به سختی قرآن را به ذهن بسپارد
۲۷۴	ثواب آنکه چون قرآن را شروع کند آن را به پایان برساند
۲۷۵	ثواب خواننده قرآن
۲۷۶	ثواب از رو خواندن قرآن
۲۷۶	ثواب آنکه در خانه‌اش قرآن داشته باشد
۲۷۷	ثواب کسی که در شب از ده تا هزار آیه بخواند
۲۷۸	فضل بهار قرائت قرآن
۲۷۸	ثواب کسی که صد آیه از قرآن بخواند سپس هفت بار «یا الله» بگوید
۲۷۹	ثواب کسی که سوره‌های قرآن را قرائت کند
۲۷۹	ثواب کسی که سوره فاتحه الكتاب را قرائت کند
۲۷۹	ثواب قرائت سوره بقره و آل عمران
۲۸۰	ثواب کسی که چهار آیه از اوّل سوره بقره و آیه الکرسی و ... بخواند
۲۸۰	ثواب خواندن آیه الکرسی هنگام خواب و بعد از تعقیبات نماز
۲۸۱	ثواب خواندن سوره نساء در هر جمعه
۲۸۱	ثواب خواندن سوره مائده
۲۸۲	ثواب خواندن سوره انعام
۲۸۳	ثواب خواندن سوره اعراف در هر ماه
۲۸۳	ثواب خواندن سوره انفال و سوره توبه
۲۸۴	ثواب خواندن سوره یونس ((ع))
۲۸۴	ثواب خواندن سوره هود ((ع))
۲۸۵	ثواب خواندن سوره یوسف ((ع))
۲۸۵	ثواب خواندن سوره زمر
۲۸۶	ثواب خواندن سوره ابراهیم ((ع)) و سوره حجر
۲۸۶	ثواب خواندن سوره نحل
۲۸۷	ثواب خواندن سوره بنی اسرائیل
۲۸۷	ثواب خواندن سوره کهف

۲۸۸	ثواب خواندن سوره مریم ((س))
۲۸۹	ثواب خواندن سوره طه
۲۸۹	ثواب خواندن سوره انبیاء
۲۹۰	ثواب خواندن سوره حج
۲۹۰	ثواب خواندن سوره مؤمنون
۲۹۱	ثواب خواندن سوره نور
۲۹۱	ثواب خواندن سوره فرقان
۲۹۲	ثواب خواندن سوره شعراء و نمل و قصص
۲۹۳	ثواب خواندن سوره عنکبوت و روم
۲۹۳	ثواب خواندن سوره لقمان
۲۹۴	ثواب خواندن سوره سجد
۲۹۴	ثواب خواندن سوره احزاب
۲۹۵	ثواب خواندن سوره سبا و نور و فاطر
۲۹۶	ثواب خواندن سوره یاسین
۲۹۹	ثواب خواندن سوره صافات
۲۹۹	ثواب خواندن سوره «ص»
۳۰۰	ثواب خواندن سوره زمر
۳۰۱	ثواب خواندن سوره مؤمن
۳۰۱	ثواب خواندن سوره حم سجد «فصلت»
۳۰۲	ثواب خواندن سوره «حم عسق»
۳۰۳	ثواب خواندن سوره زخرف
۳۰۳	ثواب خواندن سوره دخان
۳۰۴	ثواب خواندن سوره جائیه
۳۰۴	ثواب خواندن سوره احقاف
۳۰۵	ثواب خواندن سوره های «حوامیم»
۳۰۵	ثواب خواندن سوره محمد ﷺ
۳۰۶	ثواب خواندن سوره فتح
۳۰۷	ثواب خواندن سوره حجرات

۳۰۷	ثواب خواندن سوره «ق»
۳۰۸	ثواب خواندن سوره ذاریات
۳۰۸	ثواب خواندن سوره طور
۳۰۹	ثواب خواندن سوره و النجم
۳۰۹	ثواب خواندن سوره اقتربت
۳۱۰	ثواب خواندن سوره الرحمن
۳۱۱	ثواب خواندن سوره واقعه
۳۱۲	ثواب خواندن سوره حدید و مجادله
۳۱۳	ثواب خواندن سوره حشر
۳۱۴	ثواب خواندن سوره ممتحنه
۳۱۴	ثواب خواندن سوره طه
۳۱۵	ثواب خواندن سوره جمعه و منافقین و «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى»
۳۱۵	ثواب خواندن سوره تغابن
۳۱۶	ثواب خواندن سوره طلاق و تحریم
۳۱۷	ثواب خواندن سوره تبارک
۳۱۷	ثواب خواندن سوره «ن و القلم»
۳۱۸	ثواب خواندن سوره الحاقه
۳۱۸	ثواب خواندن سوره «سأل سائل»
۳۱۹	ثواب خواندن سوره نوح ((ع))
۳۱۹	ثواب خواندن سوره جن
۳۲۰	ثواب خواندن سوره مزمل در نماز عشاء
۳۲۰	ثواب خواندن سوره مدثر
۳۲۱	ثواب خواندن سوره قیامت
۳۲۱	ثواب خواندن سوره انسان
۳۲۲	ثواب خواندن سوره مرسلات، و عم و نازعات
۳۲۲	ثواب خواندن سوره عبس و «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»
۳۲۳	ثواب خواندن سوره انفطار و انشقاق
۳۲۴	ثواب خواندن سوره مطففین

۳۲۴	ثواب خواندن سوره بروج
۳۲۵	ثواب خواندن سوره طارق
۳۲۵	ثواب خواندن سوره اعلی
۳۲۶	ثواب خواندن سوره غاشیه
۳۲۶	ثواب خواندن سوره فجر
۳۲۷	ثواب خواندن سوره بلد
۳۲۷	ثواب خواندن سوره «و الشمس» و «و اللیل»، و «و الضحی» و «انشراح»
۳۲۸	ثواب خواندن سوره «و التین»
۳۲۸	ثواب خواندن سوره اعلی
۳۲۹	ثواب خواندن سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»
۳۳۰	ثواب خواندن سوره «لَمْ يَكُنْ»
۳۳۰	ثواب خواندن سوره «ادْنِ لِرَبِّكَ»
۳۳۱	ثواب خواندن سوره عادیات
۳۳۲	ثواب خواندن سوره قارعه
۳۳۲	ثواب خواندن سوره تکاثر
۳۳۳	ثواب خواندن سوره عصر
۳۳۳	ثواب خواندن سوره هَمَزَه
۳۳۴	ثواب خواندن سوره «فیل» و «لایلاف»
۳۳۵	ثواب خواندن سوره «أرأیت»
۳۳۶	ثواب خواندن سوره کوثر
۳۳۶	ثواب خواندن سوره کافرون و سوره توحید
۳۳۷	ثواب خواندن سوره نصر
۳۳۷	ثواب خواندن سوره تَبَّتْ
۳۳۸	ثواب خواندن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»
۳۴۲	ثواب خواندن معوذتین
۳۴۳	ثواب کسی که از گناهان کبیره بپرهیزد
۳۴۴	ثواب گناهکاری که پشیمان شده باز گردد و از گناهش شرمیده باشد
۳۴۵	ثواب آنکه بداند بدهکارش به دروغ سوگند خواهد خورد و ...

۳۴۶	ثواب آموزگار خوبی‌ها
۳۴۶	ثواب طلب کننده علم
۳۴۸	ثواب همنشینی با دینداران
۳۴۸	ثواب کسی که ثواب عملی را شنیده و آن را به جا آورد
۳۴۹	ثواب آنکه کلام حقّی بگوید و بدان عمل شود
۳۴۹	ثواب آنکه سنت خیری را پایه‌گذاری کند
۳۵۰	ثواب آنکه به آنچه می‌داند عمل نماید
۳۵۰	ثواب دلجایی یتیم و ضعیف، و نیکی به پدر و مادر و خدمتکار
۳۵۱	ثواب آنکه از تعرض به آبروی دیگران و از غضب خودداری کند
۳۵۲	ثواب امام عادل، پارسا، مستگو، و پیر عابد و زاهد پارسا
۳۵۲	ثواب حسنه‌ای که گناه قسیمی را از بین می‌برد
۳۵۳	ثواب آنکه چهل حدیث را حفظ نماید
۳۵۴	ثواب آنکه گناهان را ترک نماید
۳۵۴	ثواب مسرور نمودن مؤمن
۳۵۵	ثواب پارسائی و زهد و حضور قلب در نماز
۳۵۶	ثواب آنکه گرفتاری یا تنگدستی مؤمنی را برطرف کند
۳۵۷	ثواب سیر نمودن و سیراب کردن و پوشاندن مؤمنی
۳۵۸	ثواب آنکه برای خدا برادر مؤمنش را طعام دهد
۳۵۸	ثواب کسی که سه مؤمن را غذا دهد
۳۵۹	ثواب کسی که مسلمانی را سیر گرداند
۳۵۹	ثواب سیر نمودن چهار تن از مسلمانان
۳۶۰	ثواب آنکه مؤمن گرسنه‌ای را سیر کند
۳۶۰	ثواب کسی که برده مسلمانی را آزاد سازد
۳۶۱	ثواب آنکه انسانی شایسته را به خاطر از قید بندگی آزاد نماید
۳۶۱	ثواب کسی که برده مؤمنی را آزاد سازد
۳۶۲	ثواب کسی که به مؤمنی قرض بدهد
۳۶۴	ثواب صدقه دادن
۳۷۳	ثواب صدقه پنهانی

۳۷۴	ثواب صدقه آشکارا
۳۷۴	ثواب صدقه دادن در شب
۳۷۵	ثواب صدقه دادن در روز
۳۷۷	دعای سائل در حق آنکه صدقه دهد
۳۷۸	ثواب مهلت دادن بدهکاری که تهیدست باشد
۳۷۸	ثواب بخشیدن بدهی مؤمن
۳۷۹	ثواب آنکه آبروی مؤمنی را نگهدارد
۳۸۰	ثواب آنکه حاجتی از برادرش برآورد، و...
۳۸۲	ثواب دیدار و مصافحه و معانقه با برادران دینی
۳۸۵	ثواب کمک و یاری کردن برادر مؤمن
۳۸۶	ثواب اصلاح بین و نفر
۳۸۷	ثواب آنکه به فریاد مستضعفانی برسد
۳۸۷	ثواب آنکه با سخنی برادر مؤمن خود را احترام کند
۳۸۸	یاری رساندن برادری پریشان و یاری کردن در برآورده شدن حاجتش
۳۸۹	ثواب کسی که اندوهی را از مؤمنی برطرف کند
۳۸۹	ثواب آنکه مؤمنی را خوشحال کند
۳۹۰	ثواب آنکه خانواده مؤمنی را خوشحال کند
۳۹۱	ثواب شاد کردن برادر مؤمن
۳۹۲	ثواب آنکه به تصدق شکمی را سیر کند
۳۹۲	ثواب خوراندن شیرینی به مؤمن
۳۹۳	ثواب آنکه نیم خورده مؤمنی را بیاشامد
۳۹۴	ثواب کسی که برای خدا به مؤمنی مهربانی کند
۳۹۴	ثواب آنکه در راه خدا برای خویش برادری برگزیند
۳۹۵	ثواب آنکه برادر خود را با روی خوش دیدار کند
۳۹۵	ثواب معطر ساختن موی سر و روی مسلمان
۳۹۶	ثواب آنان که در راه خدا به یکدیگر مهر می‌ورزند
۳۹۶	ثواب آنکه در صحرائی یاد خدا کند
۳۹۷	خاصیت قرائت آیه «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ» هنگام خواب

۳۹۷	ثواب دعا کردن هنگام شنیدن اذان در صبح و مغرب
۳۹۸	ثواب آنکه از خدا بخواهد و او را ضار و نافع بداند
۳۹۸	ثواب آنکه این دعا را سه مرتبه در وقت خواب بخواند
۳۹۹	ثواب دعای مسلمان درباره برادر غائبش
۴۰۰	ثواب درود فرستادن بر پیغمبر ﷺ و ثواب دوستیش
۴۰۰	ثواب کسی که یک بار بر پیغمبر صلوات بفرستد
۴۰۱	ثواب آنکه خدا را به حق محمد و آلش ((ع)) بخواند
۴۰۲	ثواب فرستادن صلوات بر پیغمبر ﷺ
۴۰۳	ثواب آنکه سیپیده دم صد بار بر محمد و آلش ((ع)) صلوات فرستد
۴۰۴	ثواب کسی که بر محمد و اهل بیتش صلوات فرستد
۴۰۵	ثواب آنکه در روز جمعه صد بار بر پیغمبر صلوات بفرستد
۴۰۵	ثواب آنکه در تعقیب نماز صبح و مغرب آیه ... را تا آخر بخواند
۴۰۷	ثواب آنکه ثلث یا نیم یا هم دعا را خود را ویژه پیغمبر کند
۴۰۸	ثواب کسی که صلوات بر پیغمبر فرستد و آل او را نیز ملحق سازد
۴۱۰	ثواب کسی که جمعه بعد از نماز بر رسول خدا و آلش و اوصیایش صلوات فرستد
۴۱۱	ثواب آنکه در یک روز صد بار «ربّ صل علی محمد و اهل بیه» بگوید
۴۱۲	ثواب فرستادن صلوات بلند بر پیغمبر ﷺ
۴۱۲	ثواب گفتن ده بار «سبحان الله العظيم ...» و ...
۴۱۴	ثواب خودداری نفس هنگام میل یا ترس یا هوس یا خشم
۴۱۴	ثواب یاری کردن امر به معروف و نهی از منکر
۴۱۵	ثواب آنکه آیات آخر سوره زمر را برای او بخوانند و او بگرید
۴۱۵	یا خود را به حالت گریه کننده در آورد
۴۱۶	اجتماع کردن در وقت دعا
۴۱۶	ثواب دعای پنهانی
۴۱۶	ثواب دعا کردن هنگام سحر
۴۱۷	ثواب دعاء درباره زنان و مردان مؤمن و زنان و مردان مسلمان
۴۱۹	ثواب آنکه بگوید: «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم»
۴۲۰	ثواب آنکه هر روزه بگوید: «لا حول و لا قوة الا بالله»

- ثواب کسی که هنگام خروج از منزل بگوید: «بسم الله و لا حول و لا قوة إلا بالله» - ۴۲۰
- ثواب آنکه هنگام شب صد بار تکبیر گوید - ۴۲۱
- ثواب تسبیح حضرت زهراء((س)) - ۴۲۲
- فضیلت خاموشی - ۴۲۳
- ثواب استغفار - ۴۲۴
- ثواب آنکه در ماه شعبان روزی هفتاد بار استغفار نماید - ۴۲۶
- ثواب کسی که بعد از فریضه صبح هفتاد بار استغفار نماید - ۴۲۷
- ثواب کسی که شهادتین نگهدار او باشد، و ... - ۴۲۷
- آن نیکوئی که پاداشش زودتر به انسان می‌رسد - ۴۲۸
- ثواب سه بار خواندن آیه «قُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ» در هر صبح و شام - ۴۲۹
- ثواب زهد درباره دنیا - ۴۲۹
- ثواب کسی که در اول و آخر هر شب و هر روز عملی نیک انجام دهد - ۴۳۰
- ثواب گریستن از هیبت و عظمت خدا - ۴۳۱
- ثواب آنکه خشنودی خدا را بر هری و هرس ترجیح دهد - ۴۳۲
- ثواب کسی که شب و روز را به سر آوردن شایسته‌ترین همتش آخرت باشد - ۴۳۳
- ثواب نیکوئی کردن - ۴۳۳
- ثواب دوستی و دشمنی در راه خدا و بخشش و دین برای خدا - ۴۳۴
- ثواب مؤمنی که گناهی را آغاز کند سپس پشیمان شود و بپوشد خواهد - ۴۳۴
- ثواب مؤمنی که در بلاد غربت درگذرد - ۴۳۵
- ثواب کافری که به مؤمنی احسان کند - ۴۳۶
- ثواب آنکه به برادر مؤمنش احسان کند - ۴۳۷
- ثواب آنکه بزی شیرده در خانه خود نگهدارد - ۴۳۷
- ثواب نماز و زکات و احسان و صبر - ۴۳۸
- ثواب دوستی با آل محمد(ع) و دشمنی با دشمنانشان برای خدا - ۴۳۹
- ثواب هفتاد بار استغفار در نماز وتر در حال قیام و یک سال مداومت بر آن - ۴۳۹
- ثواب سلام نمودن به برادر مؤمن برای خدا - ۴۴۰
- ثواب کسی که توبه واقعی انجام دهد - ۴۴۱
- ثواب شخص با وقار و مهربان و نرمخو و زود پذیر - ۴۴۲

۴۴۲	ثواب نزدیک شوندگان به خدا با زاری کردن از ترس او
۴۴۳	ثواب احسان درباره مؤمن
۴۴۴	ثواب گمان نیک داشتن به خدا
۴۴۵	ثواب آنکه برای خدا اخلاص ورزد
۴۴۶	ثواب به دست کردن انگشتی عقیق
۴۵۰	فضیلت به دست کردن انگشتی فیروزه
۴۵۱	فضیلت انگشتی جزع یمانی
۴۵۱	فضیلت انگشتی زبرد
۴۵۲	فضیلت انگشتی یاقوت
۴۵۲	فضیلت انگشتی بلور
۴۵۳	ثواب تواضع و فروتنی
۴۵۳	ثواب گریستن از خشیت خدا و ...
۴۵۴	ثواب آنکه لذت نقد را از ترس کفر اندیده ترک کند
۴۵۵	ثواب دوستی برای خدا، و تعمیر مساجد و استغفار سحرگاه
۴۵۵	ثواب آنکه نظرش از روی عبرت باشد، مخلصش اندیشه و ...
۴۵۶	ثواب خاموشی، و پیاده رفتن به سوی خانه خدا
۴۵۷	فضیلت کسی که جامه خویش را بدوزد و کفش خود را پینه بزند و ...
۴۵۸	فضیلت راستی
۴۵۸	ثواب آنکه کار نیک و یا زشتش را پنهان کند
۴۵۹	ثواب آنکه گناهی کند و بداند که اگر خدا بخواهد او را عذاب می‌کند یا می‌بخشد
۴۵۹	ثواب توبه و بازگشت
۴۶۱	ثواب آنکه بر انگشتی خود «ما شاء الله لا قوة الا بالله، استغفر الله»، نقش کند
۴۶۱	ثواب آنکه میوه را ببیند و بخواهد و نتواند تهیه کند
۴۶۲	ثواب کسب حلال
۴۶۲	ثواب کسی که دنیا را برای حفظ آبرو طلب کند
۴۶۳	فضیلت خوشخوئی
۴۶۴	ثواب آنکه همتش آخرت است، و آنکه نیتش را پاک سازد
۴۶۵	ثواب آنکه با نفس خود بستیزد نه با مردم

- ۴۶۵ ----- ثواب آنکه نعمت خدا را سپاس گوید
- ۴۶۶ ----- ثواب خورنده سپاسگزار، و تندرست سپاسگو
- ۴۶۶ ----- ثواب نیکی کردن
- ۴۶۷ ----- ثواب اشتیاق به آنچه نزد خدا است
- ۴۶۷ ----- فضیلت حفظ زبان
- ۴۶۸ ----- فضیلت پنهان داشتن نیازمندی
- ۴۶۹ ----- ثواب تهیدستان، و احسان به ایشان
- ۴۷۰ ----- فضیلت خاداری از درخواست
- ۴۷۰ ----- ثواب دست دادن به یکدیگر
- ۴۷۱ ----- ثواب کسی که هنگام خوردن طعام نام خدا بر زبان جاری کند
- ۴۷۱ ----- ثواب کسی که ترسناکی را سیر گرداند
- ۴۷۲ ----- ثواب کسی که آب را با تسبیح و لذت بیاشامد
- ۴۷۲ ----- ثواب صدقه دادن در روز جمعه
- ۴۷۳ ----- ثواب یاری رساندن ستمدیده
- ۴۷۳ ----- ثواب دوستی با برادران ایمانی
- ۴۷۴ ----- ثواب کسی که چیزی را که مورد رضایت خداست آرزو کند
- ۴۷۴ ----- ثواب زیارت برادر مسلمان
- ۴۷۵ ----- ثواب کسی که خانه‌ای بنا کند و قربانی دهد و میثاق عدل را اطعام نماید
- ۴۷۶ ----- ثواب یاری کردن در کارهای نیک
- ۴۷۶ ----- ثواب میانه‌روی در مخارج
- ۴۷۷ ----- ثواب به همراه داشتن عصا با چوب بادام تلخ در سفر
- ۴۷۸ ----- ثواب آنکه عمامه پوشیده از خانه بیرون آید
- ۴۷۹ ----- ثواب کسی که نامی از اهل بیت((ع)) نزد او برده شود و اشک بریزد
- ۴۸۰ ----- ثواب دوستی اهل بیت((ع))
- ۴۸۰ ----- ثواب کسی که حاجت مسلمانی را برآورد
- ۴۸۰ ----- ثواب دست دادن مؤمن با برادر ایمانیش
- ۴۸۱ ----- ثواب کسی که قدر نعمت خداداده را بشناسد و او را سپاس گوید
- ۴۸۲ ----- ثواب کسی که چهل تا نود سال عمر بر او گذشته باشد

۴۸۳	ثواب آنکه حرمت سالخورده‌ای را بشناسد و او را احترام کند
۴۸۴	ثواب جهاد در راه خدا در رکاب امام عادل
۴۸۶	ثواب نگهداری و تیمار اسب
۴۸۹	ثواب بردن نام خدا هنگام سواری
۴۹۰	بابی نادر درباره چهارپایان
۴۹۰	ثواب تباداری
۴۹۲	ثواب یک شب تباداری
۴۹۲	ثواب مریضی بر بیماری پیشه کند و شکر خدا را به جای آورد
۴۹۳	ثواب بیماری
۴۹۳	ثواب یک شب مرد بیمار
۴۹۴	ثواب بیمار
۴۹۵	ثواب بیماری کودک
۴۹۵	ثواب عیادت مریض، و غسل مردگان متشیع جنازه و تسلیت زن فرزند مرده
۴۹۶	ثواب کسی که بین ظهر پنجشنبه تا ضیاع جمعه از دنیا برود
۴۹۷	ثواب رو به قبله کردن محتضر در حال مرگ
۴۹۸	ثواب تلقین کلمه شهادت به محتضر
۴۹۸	ثواب آنکه جنازه مؤمنی را غسل دهد
۴۹۹	ثواب آنکه فرزندی از او فوت شوند و خواست خدا بداند
۵۰۰	ثواب آنکه به زیر چهار جانب تابوت مؤمنی برود
۵۰۱	ثواب انتخاب کردن کفن خوب برای مردگان
۵۰۱	ثواب فشار قبر برای مؤمن
۵۰۲	ثواب نابینائی که برای خدا صبر کند و دوستدار آل محمد(ع) باشد
۵۰۳	ثواب استرجاع [گفتن «إنا لله و إنا الیه راجعون»] هنگام مصیبت
۵۰۴	ثواب صبر و بردباری
۵۰۵	ثواب تسلیت گفتن به صاحب عزا
۵۰۶	ثواب زیارت قبر مؤمن
۵۰۷	ثواب آنکه دست ملاطفت بر سر یتیمی بکشد
۵۰۹	ثواب آنکه یتیمی را از گریه آرام سازد

- ثواب مؤمن پس از مردن، و ثواب مسرور ساختن مؤمن ----- ۵۰۹
- ثواب دوست داشتن فرزند ----- ۵۱۱
- ثواب آنکه هدیه‌ای برای عیال خود ببرد، ----- ۵۱۲
- و دختر خود را خوشحال سازد یا دیده فرزندش را روشن گرداند ----- ۵۱۲
- ثواب پدری که دارای چند دختر باشد ----- ۵۱۳

کتاب عقاب الأعمال

- عقوبت کسی که از غیر راه خدا به او تقرب جوید ----- ۵۱۹
- عقوبت کسی که امر خدا را سبک بشمارد ----- ۵۱۹
- عقوبت کسی که به نیکوکاران بی‌گمراهی و بی‌غش بورزد ----- ۵۲۰
- عقوبت کسی که حق اهل بیت ((ع)) را نشناسد ----- ۵۲۱
- عقوبت کسی که بمیرد امام خود را نشناسد ----- ۵۲۴
- عقوبت کسی که پیشوای ستمکاری را که از جانب خدا نباشد اطاعت کند ----- ۵۲۵
- عقوبت کسی که بر جمعی امامت کند و در بین آنها از او دانشمندتر موجود باشد ----- ۵۲۶
- کیفر آنکه در نماز صلوات را ترک کند ----- ۵۲۶
- کیفر دشمن و منکر امیر المؤمنین ((ع)) کسی که در باره او شک داشته باشد ----- ۵۲۷
- کیفر قدریون ----- ۵۳۸
- کیفر کسی که ادعای امامت کند و امام نباشد ----- ۵۴۳
- عقوبت قابیل، و نمرود، و آن دو اسرائیلی که قوم خود را یهودی و نصرانی کردند ----- ۵۴۴
- عقوبت کسی که حسین بن علی ((ع)) را کشت ----- ۵۴۸
- عقوبت ستمکاری و قطع رحم و قسم دروغ و زناکاری ----- ۵۵۸
- عقوبت مکر و فریب ----- ۵۵۹
- عقوبت خونریزی و میگساری و سخن چینی ----- ۵۵۹
- بخشی در اینکه دنیا دار مکافات است ----- ۵۶۰
- عقوبت کسی که تعصب ورزد ----- ۵۶۱
- عقوبت متکبران ----- ۵۶۳
- عقوبت مجازات نکردن گناهکار ----- ۵۶۷
- عقوبت کسی که صورتی بسازد، و کسی که خوابی به دروغ گوید ----- ۵۶۸
- عقوبت کسی که گناه کند و بخندد ----- ۵۶۸

- ۵۶۹ ----- عقوبت کسی که عبادتی را برای غیر خدا انجام دهد
- ۵۷۰ ----- عقوبت مردی که خواهش نابجای زنش را بپذیرد
- ۵۷۰ ----- عقوبت کسی که بی‌وضو نماز کند، و ناتوانی را ببیند و یاری نکند
- ۵۷۱ ----- عقوبت کسی که برای بته‌ها قربانی کند
- ۵۷۲ ----- عقوبت کسی که به دروغ شهادت دهد، و آنکه شهادت را کتمان کند
- ۵۷۵ ----- عقوبت کسی که به دروغ به نام خدا سوگند یاد کند
- ۵۸۰ ----- عقوبت کسی که از ترشح بول نپرهیزد
- ۵۸۱ ----- عقوبت کسی که نماز خود را کوچک بشمارد
- ۵۸۱ ----- عقوبت کسی که غسل جنابت را ترک کند
- ۵۸۲ ----- عقوبت کسی که سجده را دست انجام ندهد
- ۵۸۲ ----- عقوبت کسی که در نماز سه بار رو بگرداند
- ۵۸۳ ----- عقوبت کسی که در خارج وقت نماز بخواند
- ۵۸۵ ----- عقوبت کسی که با اینکه به امامی اقتداء کرده حمد بخواند
- ۵۸۵ ----- عقوبت کسی که در صف جماعت ظلم را رعایت نکند
- ۵۸۶ ----- عقوبت کسی که نماز واجب خود را عمدتاً ترک کند
- ۵۸۷ ----- عقوبت کسی که نماز عصر خود را تأخیر بیندازد
- ۵۸۸ ----- عقوبت کسی که نماز عشاء را تا نیمه شب به جا نبرد
- ۵۸۹ ----- عقوبت کسی که نماز جماعت و جمعه را ترک کند
- ۵۹۱ ----- عقوبت کسی که مرتکب گناهان کبیره شود
- ۵۹۲ ----- عقوبت خوردن مال یتیم
- ۵۹۴ ----- عقوبت کسی که زکات مالش را ندهد
- ۵۹۹ ----- عقوبت مستحقّی که از گرفتن زکات سر باز زند
- ۵۹۹ ----- عقوبت کسی که روزه ماه رمضان را افطار کند
- ۵۹۹ ----- عقوبت کسی که حج واجب را ترک کند
- ۶۰۰ ----- عقوبت زبان
- ۶۰۱ ----- عقوبت کسی که سه روز متوالی در نماز خود «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را نخواند
- ۶۰۲ ----- عقوبت کسی که یک هفته بر او بگذرد و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را نخواند
- ۶۰۲ ----- عقوبت کسی که مبتلا به مرض یا سختی شود و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را نخواند

- عقوبت کسی که پنج نماز بخواند و در آنها «قل هو الله أحد» را نخواند ----- ۶۰۳
- عقوبت کسی که سوره‌ای از قرآن را فراموش کند ----- ۶۰۳
- عقوبت کسی که مؤمنی را خوار شمارد ----- ۶۰۴
- عقوبت کسی که از یاری مؤمن خودداری کند ----- ۶۰۴
- عقوبت کسی که بر مؤمنین طعن زند و عقیده آنها را رد کند ----- ۶۰۵
- عقوبت کسی که رو در رو به مؤمنی طعن زند ----- ۶۰۵
- عقوبت کسی که در به روی مؤمنی ببندد ----- ۶۰۶
- عقوبت کسی که از مؤمن ربح بگیرد ----- ۶۰۶
- عقوبت کسی که اعتبار گرو، نزد او از اعتبار برادرش بیشتر باشد ----- ۶۰۶
- عقوبت کسی که مؤمنی را از متاع خود یا دیگری منع کند ----- ۶۰۷
- عقوبت کسی که مانع حق مؤمنی شود ----- ۶۰۷
- عقوبت کسی که به مرد یا زن مؤمنی بهتان بزند ----- ۶۰۸
- عقوبت کسی که داستانی برای ریختن آبروی مؤمنی نقل کند ----- ۶۰۹
- عقوبت کسی که مسکنی را از مؤمن دریغ دارد ----- ۶۱۰
- عقوبت کسی که از مؤمنی عیبجوئی کند ----- ۶۱۰
- عقوبت کسی که بر نافرمانی خدا جرأت کند ----- ۶۱۱
- عقوبت کسی که نیت انجام گناه کند ----- ۶۱۲
- عقوبت گناه ----- ۶۱۲
- عقوبت کسی که عملی را برای خدا شروع کند و رضای حق را دخالت دهد ----- ۶۱۳
- عقوبت قطع کننده صلّه رحم و اختلاف دلها ----- ۶۱۳
- عقوبت خیانتکاری و دزدی و می‌گساری و زنا ----- ۶۱۴
- عقوبت خوردن گِل ----- ۶۲۱
- عقوبت کسی که برای صاحب قدرت یا مخالف دین خضوع کند ----- ۶۲۲
- عقوبت کسی که واجبی از واجبات الهی را ترک کند یا مرتکب کبیره‌ای شود ----- ۶۲۳
- عقوبت کسانی که در باره مؤمنین کار زشتی را انتشار می‌دهند ----- ۶۲۴
- عقوبت کسی که بمیرد و بر عهده‌اش اموال مردم باشد و ... ----- ۶۲۶
- عقوبت کسی که با زمامدار ستمکاری مبارزه کند ----- ۶۲۸
- عقوبت کسی که برادرش برای حاجتی نزد او آید و او حاجتش را برآورده نسازد -- ۶۲۸

- عقوبت کسی که برای انجام حاجت مؤمنی قدم بردارد ولی ... ۶۳۰
- عقوبت کسی که مؤمنی از او یاری جوید و دریغ کند ۶۳۱
- عقوبت کسی که لباس بر تن کند و دیگری عریان باشد ۶۳۲
- عقوبت کسی که با شکم سیر بخسبد و مؤمنی در همسایگیش گرسنه باشد ۶۳۲
- عقوبت کسی که مؤمنی را تحقیر کند و او را کوچک و خوار گرداند ۶۳۳
- عقوبت کسی که در حضورش از مؤمنی غیبت شود و او دفاع نکند ۶۳۴
- عقوبت خودبینی و خودپسندی ۶۳۴
- عقوبت کسی که در برابر سائل خود را به کری بزند و با تکبر بگذرد ۶۳۵
- عقوبت دشمنی و خیانت ۶۳۶
- عقوبت تعدادی از گناهان ۶۳۶
- عقوبت دانشمندان فاسق، و قزاقان فاسق، و ستمکاران جبار و ... ۶۴۱
- عقوبت دلبستگی به دنیا، اطاعت لغوت ۶۴۲
- عقوبت ریاکار ۶۴۴
- عقوبت کسی که برای فخر فروشی سفید بپاشد ۶۴۶
- عقوبت کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند ۶۴۶
- عقوبت کسی که شخصی را از کشتن امان دهد سپس او را بکشد ۶۴۷
- عقوبت کسی که از سربازی غیبت کند یا او را آزاد بگذارد ۶۴۸
- عقوبت کسی که مؤمنی را از سلطانی بترساند که از او بدی بیند ۶۴۸
- عقوبت کسی که مؤمنین را بیازارد و با آنها دشمنی و مخالفت نماید ۶۴۹
- عقوبت کسی که دینی از خود بسازد ۶۵۰
- عقوبت شک در دین، و معصیت خدا ۶۵۴
- عقوبت زنی که خود را برای غیر شوهرش بیاراید و بدون اجازه از خانه بیرون رود ۶۵۵
- عقوبت کسی که استغاثه اهل بیت ((ع)) را بشنود و یاریشان نکند ۶۵۵
- عقوبت کسی که زمامدار امور ده تن شود و به عدالت با آنها رفتار ننماید ۶۵۶
- عقوبت کسی که سرپرستی امری از امور مسلمانان را به عهده گیرد ولی ۶۵۷
- عقوبت ظالمان و یاوران آنان ۶۵۷
- عقوبت کسی که به سلطان ستمگری تقرّب جوید ۶۵۸
- عقوبت کسی که در دفتر ستمگران نام‌نویسی کند ۶۵۹

- عقوبت زمامداری که هنگام نیاز مردم خود را پنهان کند ----- ۶۵۹
- عقوبت کسی که امر منکری را پا برجا کند ----- ۶۶۰
- عقوبت زن و مرد زناکار ----- ۶۶۲
- عقوبت نظر کردن به زنان ----- ۶۶۷
- عقوبت مردی که لواط کند، و آنکه خود را در اختیار دیگری نهد و زنائی که ... ----- ۶۶۷
- عقوبت دروغ بستن به خدا و رسول و ائمه ((ع)) ----- ۶۷۷
- عقوبت کسی که دو رو، و دو زبان باشد ----- ۶۷۸
- عقوبت کسی که کسی را لعن کند که مستحق لعن نباشد ----- ۶۸۰
- عقوبت کسی که به کفر مؤمنی شهادت دهد ----- ۶۸۱
- عقوبت کسی که عیب کند یا فریب دهد ----- ۶۸۱
- عقوبت کسی که ... ----- ۶۸۲
- عقوبت گردنکشان ----- ۶۸۸
- عقوبت کسی که با خود خواهی در روی زمین راه رود ----- ۶۸۹
- عقوبت ستمگری ----- ۶۹۰
- عقوبت کسی که با داشتن قوت سه روز گدائی کند ----- ۶۹۲
- عقوبت کسی که بدون احتیاج از مردم سوال کند ----- ۶۹۲
- عقوبت کسی که عمداً خودکشی کند ----- ۶۹۳
- عقوبت کسی که به کمتر از کلامی در قتل مؤمنی شرکت جوید ----- ۶۹۳
- عقوبت کسی که از روی عمد دیگری را به قتل رساند ----- ۶۹۴
- عقوبت کسی که در ریختن خون مسلمانی شرکت جوید یا به آن راضی باشد ----- ۶۹۸
- عقوبت کسی که عمداً قتل کند یا قاتلی را پناه دهد ----- ۷۰۰
- عقوبت کسی که با خواندن قرآن کسب روزی کند ----- ۷۰۰
- عقوبت کسی که بعض قرآن را با بعض دیگر تفسیر کند ----- ۷۰۱
- عقوبت مسافری که نماز قصر خود را در سفر چهار رکعت بخواند ----- ۷۰۱
- در عقوبت پاره‌ای از اعمال [آخرین خطبه پیامبر اکرم ﷺ در مدینه] ----- ۷۰۲

